

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

سهشنبه ۱۴ مردادماه ۵۹ شماره ۸۵ تک شماره ۱۰ ریال

علیرغم سرکوب و حشیانه پلیس آمریکا

مقاومت و مبارزه دانشجویان ایرانی

ادامه دارد

زحمتکشان جهان را نسبت به این انقلاب عظیم که با دستهای خالی مردم ایران بشمر رسیدو

بقیه در صفحه ۲

بیا دستگیر شده نشانه‌ها شنی است از سرسختی و سازش ناپذیری انقلاب ایران. این مبارزه شکوهمند بویژه در این برهه از زمان که دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیست‌ها قصد مخدوش کردن چهره انقلاب ایران را دارند درخور توجه و شایسته تحسین است. دستگاه تبلیغاتی امپریالیست‌ها سعی دارند حکومت ایران را به عنوان حکومت ترور و وحشت سیاه معرفی کرده و شور و شوق

مقاومت دانشجویان مبارز ایرانی در زندانهای آمریکا در جلوی گاخ سفید و در بیمارستانهای آن کشور ادامه دارد. اعتصاب غذای دانشجویان بخاطر اعتراف به اعمال فاشیستی پلیس آمریکا و برای آزادی بدون قید و شرط دانشجویان

امپریالیسم و روش‌های مستقیم و غیر مستقیم براندازی

در صفحه ۶

کشورهای جهان صهیونیست‌ها را محکوم میکنند

تصمیم دولت اسرائیل مبنی بر انتقال پایتخت خود به بیت المقدس اعتراض یکپارچه جهان روپرو شده است

ترین و ارتجاعی ترین بخش هیئت حاکمه اسرائیل به سرمداری مناخیم بیگین بقیه در صفحه ۵

روز چهارشنبه ۹ مردادماه پارلمان صهیونیست‌های اسرائیل لایحه مربوط به تعیین بیت المقدس بعنوان پایتخت را به تصویب رسانده و آنرا "پایتخت غیرقانونی" اعلام کرد. این لایحه که قبلاً در دسامبر ۱۹۴۹ توسط دیوید بن گوریون نخست وزیر وقت اسرائیل پیشنهاد شده بود، اینبار پس از الحاق بخش شرقی بیت المقدس به اسرائیل (که قبلاً در دست اردن بوده) پس از جنگهای ۶ روزه اکتبر ۱۹۴۷ بدست اسرائیلیها افتاد، از جانب فاشیستی

لغو سود و ویژه تعرض به حقوق کارگران است

تازمانی که مزد واقعی کارگران - که زندگی خود و خانواده‌شان را در سطح متوسط تامین نماید، تعیین نشده است، سود ویژه باید کماکان پرداخت شود

بود، قطع نماید این "لایحه" با بیدر مجلس مطرح بشود در صورت تصویب آن، سود ویژه کارگران قطع خواهد شد! و در واقع کارگران، تاوان بحران اقتصادی موجود را میپردازند. دولت برای غلبه بر مشکلات موجود، دیواری کوتاه‌تر از دیوار کارگران پیدا نکرده است!

نرطی یکسال ونیم گذشته همیشه شایعات و زمزمه‌هایی درباره لغو سود ویژه شنیده می‌شد که باعث نگرانی کارگران می‌گردید. ولی این شایعات بقیه در صفحه ۲

من و من کردن، تصمیم خود را گرفت و با تهیه یک "لایحه قانونی" با عنوان فریبنده "تأمین منافع کارگران" می‌رود تا چیزی را که ۱۸ سال به صورت جزئی از حقوق کارگران درآمده

"سود ویژه را قطع کردند!" - این حرفی است که این روزها در همه جا، در کارخانه‌ها، در محافل کارگری و در جاهای دیگر بر زبانها جاری است. دولت با لغو سود پس از مدت‌ها

تجصن کارگران

حمله به دفاتر گروهها

و ایجاد هرج و مرج

تلفن

در صفحه ۳

یادداشت‌هایی درباره یک بحث سیاسی در پارک ملت

در صفحه ۴

روز ۱۴ مرداد، هفتاد و چهارمین سالروز "انقلاب مشروطیت"، روز پیروزی اراده ملت ما بر دیوانسالاری استبداد سلطنتی وابسته و سراسر آغاز مرحله جدیدی از انقلابات ملی در منطقه آسیا، می باشد.

انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ هجری شمسی)، انقلابی ماهیبا ضد امپریالیستی و دموکراتیک بود و عمیقاً ریشه در بین مردم ما داشت که علیه سلطه حکومت خودگامه و فاسد قاجار و اربابان آن که عمدتاً روسیف تزاری بود، مبارزه می کردند.

این انقلاب، از یک سو ادامه جنبش تنباکو است که ۱۵ سال پیش از آن به خاطر اعطای امتیاز خرید و

روی اتحاد بزرگ ملی، گرامی بداریم

فروش تنباکو به کمپانی "تالبوت" انگلیسی، سراسر کشور را در بر گرفت، و از سوی دیگر مقدمه و حلقه‌های تشکیک نشدنی از انقلابات و جنبش‌های بعدی تا انقلاب اخیر مردم میهن ما می باشد. این انقلاب، تجلی اتحاد کلیه نیروهای آزادیخواه و ضد امپریالیست اعم از ملی گرائی مترقی، اسلام مبارز و سوسیالیسم انقلابی بود و ملک - المنکلمین ها و ستارخان‌ها، حیدر عمو اوغلی‌ها و علی مسیوها را در یک جبهه واحد در مقابل طبقات ارجاعی حاکم و دربار خودگامه قاجار و امپریالیست‌های حامی آنها، قرار دارد.

انقلاب در سایه اتحاد این نیروها به پیروزی نائل آمد، ولی به خاطر کمبودهای خود، در حد قبول یک حکومت سلطنتی مشروطه باقی ماند، ولی در حد خود و متناسب با اوضاع عمومی جنبش، دستاوردهای بزرگی نظیر مجلس نمایندگان، حاکمیت

قانون، محدودیت اختیارات شاه و درباریان و منع اعطای امتیاز به بیگانگان و وام گرفتن از خارج بدون اجازه مجلس و غیره را به ارمان آورد. در ادامه این انقلاب بود که مبارزات میرزا کوچک خان و خیابانی، و مبارزات مدرس و آرائی و بالاخره نهضت ملی کردن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق در سال‌های پس از شهریور ۲۰ به وقوع پیوست، که در حد خود نسبت به انقلاب مشروطیت در مرحله بالاتر و متکامل‌تری قرار داشت و تا حد قطع سلطه امپریالیسم انگلیس و خواست برچیدن دربار ننگین سلطنت پهلوی، جلو رفت.

و باز، پس از شکست این نهضت در نتیجه کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲، و در تداوم انقلاب تا فرجام مشروطیت بود که قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و سپس بر اساس همه این درس - بقیه در صفحه ۲

روزیکشنبه پنجم مرداد ماه ۵۹ یعنی درست بعد از اینکه دادستان کل کشور، اشغال اماکن و دفاتر گروه‌های سیاسی را تشکیح نمود و دستور تخلیه آنها را داد، عده‌ای در تبریز به دفتر حزب رنجبران ایران حمله کردند. این عده بعد از شکستن در ورودی به دفتر، هرآنچه را که توانستند با زور و دزدی بردند و بقیه را شکسته و خور و دزد کردند.

آنها سپس تمام کتب و نشریات موجود را به خیابان ریخته و در جلوی چشم نگران مردم و بی - تفاوتی پاسداران سوزاندند. این حملات که در سراسر ایران به دفاتر گروه‌های سیاسی شد و ادامه آن حتی به ادارات دولتی نیز کشیده شده، همانطوریکه آیت الله موسوی اردبیلی در اطلاعیه بقیه در صفحه ۶

حمله به دفتر

حزب رنجبران در تبریز

یافته و متشکل و بعضی از افراد آن مسلح به کلت بودند، سپس از بقیه در صفحه ۶

روزیکشنبه ۵ مرداد ماه ۵۹ ساعت ۱۱ شب حدود ۳ نفر به دفتر حزب رنجبران ایران در تبریز حمله کردند. این گروه که شواهد و قرائن نشان میداد که سازمان تشکیلی

جنگال «المپیک صلح» و تشدید تهاجم روسیه به افغانستان

واحدهای ارتش افغانستان

علیه رژیم بیک
شورش کردند

هواپیماهای حمل و نقل در فرودگاه کابل به زمین می‌نشینند و سپس در مسیر کابل و جنوب غربی پایتخت به پرواز در می‌آیند.

از روز افتتاح بازیهای المپیک شوروی حضور نظامی خود را در افغانستان و به ویژه کابل تقویت نموده و تانکها مجدداً در مراکز حساس مستقر و توپها و آتش‌بارها در نقاط استراتژیک کابل استقرار یافته‌اند. تعداد سربازان روسی در ارتش و خیابانهای کابل به طور چشمگیری افزایش یافته است. اوضاع کابل به خاطر اعلام اعتصاب توسط مبارزین بسیار حساس است. پلیس به مغازه داران اختطار کرده است که به هیچ وجه حق اعتصاب ندارند.

در سایر نقاط افغانستان جنگها بین قوای اشغالگر روسی و مردم افغانستان تشدید یافته است. از منطقه شمالی "تخار" در مرز شوروی تا قندهار و "هلمند" در جنوب کشور، بقیه در صفحه ۲

در لحظه‌ایکه لتونید برزنف گشایش بیست و دومین بازیهای المپیک مسکو را اعلام کرد، هزاران جست‌جنگنده و هلی‌کوپترهای جنگی روسیه بر فراز شهر کابل و اطراف آن بحرکت در آمدند و فاشیستی‌ترین تهاجم خود را به مواضع مجاهدین افغانی در روستاها و کوههای افغانستان آغاز نمودند.

خبر گزاریهای جهان از دهلی - نو و اسلام آباد گزارش می‌دهند که در هفته‌های گذشته عمده‌ترین پل هوایی بین شوروی و کابل ایجاد شده و وسیع‌ترین نقل و انتقالات هوایی و زمینی به سوی افغانستان در جریان است. از روز جمعه گذشته هر روز به مدت چندین ساعت هلی‌کوپترهای "ام - آی - ۸" و "ام - آی - ۲۴" و جت‌های جنگنده "میک ۲۱" و

اعلام جرمی علیه تهمت‌های باند کیانوری

اعلام جرم
رفیق محمد ارسنی
علیه روس نامه
«مردم»
و سردبیر آن

ما از مقامات مسئول مجدداً می‌خواهیم که نسبت به این اعلام جرم اقدامات قاطع اتخاذ نموده و موجبات تعقیب قانونی این باند تهمت‌زن و مزه‌ور بیگانه را فراهم نمایند

رنجبران ایران و عناصر انقلابی کربزان بوده و در عوض به شیوه‌های پلیسی، جاسوسی، جاقو کشی، فحاشی و تهمت زدن متوسل شده‌اند تا شاید از این طریق بتوانند چند صباحی اعتناش بوجود آورند و چند روزی به عمر کثیف و ننگین خود بیفزایند.

از جمله آخرین مورد انجام این شیوه‌ها، این ادعای روس نامه "مردم" و سردبیر روس پرورده آن است که مدعی شده در حلقه به دفتر حزب توده،

رفیق محمد ارسنی حضور داشته است! صرف نظر از هدف نوکران روسیه از این ادعا، باید به این مسأله اشاره کرد که رفیق ارسنی در افشای ماهیت پلیس این مزدوران گرملین در میان جوانان انقلابی میهن مانقش ارزنده‌ای داشته و لذا مورد کینه آنها که نقشه‌های خود را نقش بر آب می‌بینند، قرار دارد.

رفیق ارسنی اعلام جرمی علیه بقیه در صفحه ۶

در این شماره:

در حاشیه سمینار
"حقوق زن در

اسلام"

صفحه ۴

لامردفارس

امکانات و

محرومیت‌ها

صفحه ۳

در اریتره

روسها از گزاهای

سمی استفاده

می‌کنند.

صفحه ۵

وزمزمه‌ها با بلند شدن صدای اعتراض کارگران خاموش شد. در سال گذشته هم دولت ناچار شد آئین نامه اجرائی پرداخت سود ویژه را اعلام نماید و بررسی قانون سود ویژه را به بعد موکول کند. آئین نامه نیز در آن زمان با اعتراض کارگران روبرو شد چون مبنای محاسبه سود ویژه را حقوق سال ۵۶ قرارداد داده بود.

سود ویژه قسمتی از حقوق کارگران است

آنچه که تا کنون کارگران تحت عنوان "سود ویژه" دریافت می کرده اند، مبلغی معادل ۲ تا ۳ ماه حقوق یا بیشتر بوده است که از سال ۱۳۴۱ هم راه حقوق به کارگران پرداخت می شده است. این مبلغ در حال حاضر به صورت جزئی از حقوق کارگران درآمد است.

"سود ویژه"، اختراع شاه و سرمایه داران ایرانی نیست و به زمان قبل از جنگ جهانی اول برمیگردد. در جامعه سرمایه داری که بر اساس استثمار کارگران قرار دارد سرمایه دارها هزار جور کلک سرهم میکنند تا کارگران را فریب بدهند، بین آنها تفرقه ایجاد نکنند تا با زنده تولیدی را لابیرند و بهره کشی از نیروی کار کارگران را به حد اعلا برسانند. سرمایه دارها تا آنجا که زورشان برسد سعی میکنند قیمت نیروی کار کارگران را در سطح نازلی نگاه دارند. ولی وقتی که این "قیمت" کفاف گذران یک زندگی حداقل بخور و نمیر را برای کارگران ندهد، آنها ناچار میشوند که بر مقدار آن بیفزایند. آنها شگردهای مخصوصی را برای پرداخت دستمزد کارگران در پیش میگیرند آنها دستمزد کارگران را با سه چندین بخش تقسیم میکنند. یک بخش را به عنوان پاداش، بخش

یا مقدار فروش افزایش بیا بد! یا
سرمایه دارها با این کار خود چند هدف را دنبال میکنند: اولاً - ماهیت کربیه استثمار رسماً به طرز وحشیانه ای انجام میگرفت بزرگ

و هم شرکای خارجی آنها گردشان تا کام مانده و تیرشان به سنگ خود. کارگران خیلی زود دست آنها را خواندند و با اعتصاب بخشدن به مبارزه برای افزایش دستمزد و اعتراض به ناچیز بودن سود ویژه پرداختی، نقشه آنها

یادداشتی از یک کارمند کارخانه

روز چهارشنبه هفتم مرداد که وارد کارخانه شدم دیدم کارگران به عوض کار کردن دور هم جمع شده و با حالتی ناراحت و تردید به حرفهای یک نفر گوش می دادند. پرسیدم چی شده. جواب دادند مگر برنا مه را ندیدن که اعلام کردند شورای انقلاب سود ویژه را لغو کرده و به جای آن دو ماه پاداش می دهند؟
- می گفتند که چرا دولت و شورای انقلاب در اوضاع کنونی با این همه مسائل در مملکت، به کارگران بستند و حق مسأرا می گیرند؟
- می گفتند چرا دولت در بین سرمایه داران مفتخور و ما به تفع اونها مسئله را حل کرده؟
- می گفتند با حقوق ما هیانه در حدود ۲ هزار تومان پاداش ۲ ماهه سودی نیست و مقداری نیست.
- می گفتند ما که در بالا بردن تولید و کار بیشتر پیشقدم بوده ایم و بحمد الله در مقایسه با سال قبل تولیدمان بالاتر آمده چرا حق سودمان باید کمتر باشد؟
و بالاخره کلی سئوالات و مسائل داشتند. به نظر من از اونجا که نشریه رنجبر و حزب شما در طرح مسائل زحمتکشان و کارگران همیشه پیشقدم بوده و در مورد این مسئله خوب است برخوردی کرده و تحلیل جامعی از دلایل این اجحافات به طبقه کارگران ارائه دهد.
با سلام گرم - یک کارمند کارخانه

ارگان حزب رنجبران ایران

مجموعه‌ی دریافتی کارگران اعم از دستمزد رسمی و سود ویژه و چیزهای دیگر، به هیچ وجه کفاف گذران یک زندگی حداقل را برای کارگران و خانواده‌هایشان نمی دهد.

طبیعی است که تا زمانی که مزد واقعی کارگران - که زندگی خود و خانواده‌شان را در سطح متوسط تامین نماید، تعیین نشده است، سود ویژه باید کماکان پرداخت شود. بیس از مخاسبه میزان دستمزد واقعی کارگران در یک سطح معقول و ضمیمه کردن تمام پرداختی‌های کنونی نظیر سود ویژه، پاداش عیدی، اضافه کاری، شیکاری و

نوبت کاری و غیره به حقوق کارگران است که می توان آنها را لغو کرد. تصمیم گیری یک طرفه و در اتا قهای در بسته و لغو یک شبه این "دریافتی ها"، یقیناً با عکس العمل و اعتراض کارگران روبرو خواهد شد.

اینکه: "کارفرمایان ... مکلف اند برای جبران عواید کارکنان از بابات حق سهم و نیز عیدی و پاداش سالانه معادل ۶۰ روز آخرین دستمزد برای ۱۲ ماه کار در سال به هر یک از کارکنان خود پرداخت نمایند"، نیز دردی را دوا نمیکند و کارگران به خوبی درک میکنند که این یک حقه است برای راضی کردن کارگران تا در مقابل کردن لغو سود ویژه اعتراضی نکنند ... و پس از آنکه آنها از اسباب افتاد، این "۶۰ روز آخرین دستمزد" را هم لغو نمائید دولت برای حل مشکلات اقتصادی خود بیهوده سعی در دیار را بردوش کارگران قرار بدهد. راه نجات از بحران، این نیست و نتیجه مثبتی به بار نخواهد آورد.

کارگران زحمتکش میهن ما که در سالهای خفقان برای احقاق حقوق خود و بهبود شرایط کار خود مبارزه کرده و قربانی داده اند، به خوبی میداندند که: "سود ویژه چیزی جز قسمتی از

سالروز انقلاب مشروطیت از صفحه اول

های تاریخی بود که انقلاب بر شکوه انهدام کامل و نهائی نظام شاهنشاهی و استقرار رژیم جمهوری و قطع سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا و مانعت از رخنه و نفوذ امپریالیسم شوروی، منجر گردید.
این انقلابات، حلقه‌های متعددی از زنجیر به هم پیوسته انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی بود که ملت ما به خاطر رهائی از استبداد حاکم و امپریالیستی حامی آن در طی یک قرن گذشته، پشت سر گذاشته است.

متأسفانه سالروز انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک مشروطیت با زمانی مصادف شده است که تنگ نظری جناحی از حاکمین، انقلاب پیروزمند ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ما را با یک بحران بزرگ روبرو ساخته است، بحوی که تا پای انکار جانفشانها و رشادتهای مبارزین راستینی رفته اند که چه در انقلاب مشروطیت و چه در جریان نهضت ملی کردن صنعت نفت حضور فعال داشته و جان خود را در راه استقلال ملی و رهائی از قید سلطه اجانب، کسب حقوق دموکراتیک و آزادی های اجتماعی، و تامین رفاه و عدالت اجتماعی، فدا کرده اند.

این جریان تا سالم انحصار طلبانه، حتی تا پای نفی و طرد کامل تاریخ ۸۰ ساله مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم میهن ما می رود و تاریخ را از دیدگاه تنگ و بغرضانه خویش باز نویسی می کند. اگر در انقلاب مشروطیت، ساله بر جیدن کامل نظام سلطنتی مطرح نبود، این امر به هیچ وجه از ارزش و اهمیت تاریخی انقلاب مشروطیت و نقشی که این انقلاب در تاریخ زندگی ملت ما با بازی کرده نمی گاهد. در واقع همان طور که اشاره شد در تدویم این انقلاب و در طی مبارزات بعدی بود که نهضت ما رشد کرد و تجربه اندوزی نمود و نهایتاً در انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ۵۷ تا سطح محو کامل نظام شاهنشاهی ارتقاء یافت. و البته هنوز نیز تا بیروزی نهائی راه دراز و پر پیچ و خمی را در پیش دارد.

امپریالیستها به کشور ما دست اندازی کردند، مسئله مقاومت در برابر امپریالیستها و مبارزه با سلطه آنها، به هسته مرکزی و جوهر اصلی مبارزه در کشور ما تبدیل شد.

در مجرای مبارزه ملی، مبارزه ضد امپریالیستی و دفاع از استقلال ملی بود که مبارزه با استبداد داخلی که یکسره وابسته به بیگانگان استثمارگر بود قرار می گرفت و با آن گره می خورد. و در طی این جریان بود که مسئله ملی و نیروهای ملی شرکت کننده در مبارزه، از اهمیت خاصی برخوردار شده و به صورت موتور محرکهای برای مقاومت و مبارزه با دربار و امپریالیستهای حامی آن، تبدیل گردید. به این دلیل، نقش نیروهای ملی و ملی گرایی مترقی را در این انقلاب، در کنار سایر نیروهای خلقی و ضد امپریالیست، نه می توان و نه باید منکر شد.

پس از گذشت ۲۴ سال از انقلاب مشروطیت و پشت سر گذاشتن حلقه های متعددی از انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی، هنوز هم مردم ما در راه تحقق شعارهای این انقلاب، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند، و همچنان برای حفظ استقلال خود در مقابل توطئه‌ها و دسائس امپریالیستها و در شرایط کنونی دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و اعمال داخلی آنها، و حفظ آزادیها و حقوق دموکراتیک خود از دستبرد و تجاوز انحصار طلبان و گروههای فشار و سرکوب، و تحقق عدالت اجتماعی و غلبه بر مشکلات موجود، ناگزیر از ایجاد یک جبهه وسیع و متحد ملی از سه نیروی اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی هستند.

سالروز انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک مشروطیت را با بافشاری روی این اتحاد بزرگ ملی، گرامی بداریم و از تجارب مثبت و منفی آن بیاموزیم. هشیاری خود را در مقابل دسائس و توطئه‌های امپریالیستها به ویژه در برابر دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و مزدوران داخلی آنها بالا ببریم و نگذاریم شکستهای گذشته دوباره تکرار شود. انحصار طلبی و تفرقه افکنی را افشاء و از صفوف خود طرد کنیم و با ایجاد اتحاد بزرگ ملی در جهت حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و تدوام بخشیدن به آن و تحقق

سودویژه یا... به کارگزاران پرداخت می کنند. این تکه پاره هایی که ظاهراً "سرمایه داربذل و بخشش می کند، چیزی نیست بجز همان قیمت نیروی کار کارگران یعنی دستمزد کارگران.

پرداخت "سودویژه" یکی از شگردهای است که سرمایه دارها در اوائل قرن بیستم کشف کردند. آنها چون با اعتراضات، اعتراضات، مقاومت ها و کم کاریها از طرف کارگران روبرو شدند، برای ادامه استعمار کارگران حقه تازه ای زدند. آنها به کارگران گفتند که ما شما را در "سودویژه" کارگاه های کارخانه شریک می کنیم اما به چه شرط؟ به این شرط که: میزان تولید را بالا ببرید یا از ضایعات کم کنید

چرا؟ چون او ضایعی پیش آمده بود که کارگران کار رده استخوان نشان رسیده بود و رژیم مجبور شد که تغییری در وضع دستمزد کارگران بدهد. بنا بر این آنچه را که باید به عنوان افزایش دستمزد به کارگران برای تامین یک زندگی حداقل برای آنها بدهند، تحت نام "سودویژه" دادند و در واقع، قسمتی از حقوق کارگران را که تا آن موقع از پرداخت آن خودداری میکردند به این اسم به کارگزاران برگرداندند.

در عمل چه شد؟

ولی در عمل، همشاه و سرمایه داران وابسته در ایران

کارت متمرکز بوده است و خواست دریا فت سودویژه، حالت خصوصی از عیار زره به خاطر از دنیا دستمزد بوده است.

سودویژه در شرایط کنونی

سودویژه علیرغم ما هیت آن، الان به صورت جزئی از حقوق کارگران درآمد شده است. و لغو آن یعنی حذف قسمتی از حقوق کارگران آن هم در شرایطی که با رستگین گران و تورم و فشار هزینه زندگی بسر دوش کارگران سنگینی می کنند و

یک زندگی حداقل به کارگر می دهد. بنا بر این در مقابل حذف این قسمت از قیمت نیروی کار خود مقاومت خواهد کرد. سردو آن را به عنوان توطئه ای برای اخلاص در مبارزه ضد امپریالیستی کارگران دفع خواهند کرد. اما در باره تسلیم در برابر خواسته های خود کردند، کسانی را هم که در حال حاضر، یا روی منافع کارگران می گذارند و در مبارزه ضد امپریالیستی کارگران اخلاص می کنند به سرجای خود خواهند نشاند.

ما با زهم در این باره صحبت خواهیم کرد.



مقاومت و مبارزه... از صفحه اول

یکی از اغدارترین دشمنان بشریت یعنی امپریالیسم آمریکا و رژیم سرسپرده آنرا شکست داد، به یاس و ناامیدی تبدیل کند، و آنها را از راهی که ملت قهرمان ایران بپیمودند، بر حذر داد. دستگاه تبلیغاتی امپریالیستها و بیویژه امپریالیسم آمریکا با جلوه دادن اعدا مژغاله های خود فروخته و ساواکیها در ابتدای پیروزی انقلاب بمنابا به جنایت و ترور رژیم جمهوری اسلامی، سعی کردند سیمای انقلاب ایران را مخدوش کنند و ثمره انقلاب را چیزی جز ترور و اعدا مژغاله معرفتی ننمایند. امپریالیستها به این تبلیغات بسنده نکردند و ساواکیها و عناصر خود فروخته را واداشتند تا در کشورهای مختلف با اصطلاح به "نقض حقوق بشر در ایران" اعتراض کنند و علیه ایران تظاهرات برپا نمایند. و بدین ترتیب توجیهی برای تبلیغات شوم خود دست و پا کنند.

اما عمل قهرمانان ما در این مبارزه در هر هم شکستن صف تظاهرات ضد انقلابیون در جلوی کاخ سفید و سپس حملات وحشیانه پلیس

آمریکا به دانشجویان، چه سره فاشیستی امپریالیسم آمریکا را عربیان کرد و پوچ بودن این تبلیغات را با ثبات رسانید. کتک زدن دختران و پسران دانشجو و به زنجیر کشیدن آنها و سپس اسارت آنها در زندانهای انفرادی و فشار بیحد روانی بر آنها که حتی اعتراض بعضی از رسانه های گروهی آمریکا را برانگیخت، نشان داد که حکومت ترور و وحشت واقعی کدام است.

عمل قهرمانان ما در این دانشجویان ایرانی در آمریکا از نقطه نظر دیگری نیز شایسته توجه است و آنهم هماهنگی و هم یاری دانشجویان و گروههای مختلف در مبارزه علیه پلیس آمریکا می باشد. کنفدراسیون دانشجویان و دانش آموزان ایرانی (سیس)، اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان و سایر گروههای دانشجویان عضو کنفدراسیون هم در مبارزه ای قهرمانانه بر علیه پلیس آمریکا و سایر ارگانهای اجرائیه آن از قبیل اف-بی-بی - آی شرکت جستند و با هم در زندانهای شایسته اعتصاب غذا و در خارج از زندان به تحمن دست زدند.

این مبارزه قهرمانان ما

نشان داد دهنگا می که دشمن بسر شدت سرکوب خود میافزاید، چه آسان نیروهای خلقی متحد میشوند و وصف خلق عاری از هر گونه انحصار طلبی متحد و مستحکم در برابر دشمن مقاومت میکند. این حادثه بار دیگر حقاقت خط مشی حزب ما در مورد امکان و ضرورت وحدت سه جریان اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی را در برابر دشمنان خلق به ثبوت رسانید.

و نشان داد که رمز پیروزی انقلاب وادامه آن در وحدت این سه جریان بزرگ تاریخی نهفته است.

اما متاسفانه این واقعیت سترگ، انحصار طلبی را که در رسانه های گروهی لانه کرده اند از خواب بیدار نکرد است. این حضرات گرچه خود فیلمی از مبارزه دانشجویان بدنمایش گذارند که بوضوح و روشنی نشان میداد که دانشجویان عضو کنفدراسیون دوش بدوش دانشجویان انجمنهای اسلامی مبارزه میکردند، اما بیهوده تلاش کردند که بسط واقعیتها پرده افکنده و وانمود نمایند که مبارزه را فقط انجمنهای اسلامی به پیش برده اند.

از این آقایان باید

پرسید آیا این گستردگی و شکوهمندی انقلاب ایران نیست که همه گروههای سیاسی متعهد و مستقل علی رغم عقاید و مسلک های گوناگون رهبری امام را قبول دارند و از جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنند؟ و در قبال این دفاع حتی حاضر به قبول شکنجه، زندان، و فساد جان خویش هستند آیا این واقعیت را با دید پنهان کردید؟ هر چه وسیعتر تبلیغ نمودتسا حقاقت انقلاب ایران روشنتر شود؟ البته از انحصار طلبان که دور از توده ها و مبارزه قرار دارند جز این انتظاری نصیرود.

ولی چرا دانشجویان مسلمان که دوش بدوش سایر دانشجویان مبارزه میکنند و در یک زندان و یک سلول قرار دارند با یکدیگر چنین وانمود کنند که تنها آنها هستند که مبارزه میکنند و لاغیر؟ به نظر ما اتحادیه انجمنهای اسلامی موظف است در روش نمودن و واقعیات سهم خود را ادا نماید و در غیر این صورت این اتحادیه نیز در کتمان حقیقت و دامن زدن به انحصار طلبی و گروه گرائی مشغول است.

انحصار طلبان چه بخواهند وجه نخواهند مردم ایران در مقابل دشمن خود یکپارچه، مستحکم و بیدار بدل مقاومت خواهند کرد.

جنبه داخلی آن یعنی مبارزه با استبداد حاکم، که این مبارزه سالها و قرنها قبل از آن هم وجود داشته است. دیگری، جنبه خارجی و ضد امپریالیستی آن است که دارای اهمیت خاصی می باشد.

به عبارت دیگر، از زمانی که جنجال "المیک صلح"....

از صفحه اول

تانکها و هلی کوپترهای جنگی شوروی مشغول بمباران دهکده ها می باشند. در قندهار برق و تلفن قطع شده است و نیروهای نظامی در بازرسی خانه ها جوانان مشغول را دستگیر کرده و با هواپیما به کابل میفرستند. در این شهر حکومت نظامی اعلام شده است.

در شهر یقمان در شمال کابل مبارزین افغانی به یک جیب ارتشی حمله کرده و ۳۰ ارتشی را کشته اند.

روستای "موسایی" واقع در ۲۵ کیلو متری جنوب شرقی کابل تحت آتش بمباران های هوایی و زمینی قرار گرفته است.

از سوی دیگر اخیرا چندین واحد از نیروهای منظم افغانستان علیه دولت ببرک کارمل طغیان نموده و برای چند روز از شرکت در حملاتی که سربازان شوروی در آن شرکت داشتند خودداری کردند. واحدهای طغیان کننده متعلق به لشکر چهاردهم مستقر در ایالت غزنی و یک واحد مستقر در "کوت اشرف" واقع در بیست کیلو متری جنوب غربی کابل بوده اند.

تهاجم نوین ارتش اشغالگر روسیه به افغانستان در هنگام برگزاری

زنده باد اتحاد بزرگ ملی از سه نیروی اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی.

زنده باد وحدت انقلابی کارگران و سایر طبقات خلقی علیه دو ابرسر قدرت جهان خوار امریکا و شوروی.

بازیهای المیک که با جار و جنجال "دوستی ملل المیک صلح" () بنگاه های تبلیغاتی سوسیال امپریالیسم همراه بوده و می باشد به روشنی نشان می دهد که شوروی خیال خارج نمودن ارتش خود را از افغانستان در ندارد و مصمم است که تا آخرین سرباز متجاوزش در افغانستان باقی بماند.

خلق افغانستان نیز مدت ها است که تصمیم خود را گرفته است و با آنکه در شرایط بسیار وخیمی به سر می برد تا آخرین قطره خون خود از شرف و سر بلندی ملت و مذهب و میهن خود دفاع خواهد نمود. جبهه پشتیبانان بین المللی مبارزه میهن خلق افغانستان نیز می باید این طور عمل نماید.

مسئله افغانستان یک مسئله جهانی است و با سرنوشت تمامی ملت ها و کشورهای جهان عجین است.

شکست خلق افغانستان شکستی برای صلح جهانی، ترقی اجتماعی و پیشرفت بشریت است. و پیروزی خلق افغانستان و شکست شوروی پیروزی بزرگی در مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای جهان و به عقب انداختن جنگ جهانی سوم زانده می باشد.

بنابراین باید با تمام قوا به یاری و کمک خلق برادر افغانستان بشتابیم.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمکهای خود را بانک ملی ایران به حساب بانکی زیر واریز نمائید: تهران - شعبه خیابان ایران شهر شماره حساب ۴۵۳۶۸

رفجبر

نشانی: خیابان صدق، باغین تراز میدان ملی عصر، کوچه زمرد، شماره ۷

تهان پی: تهران - صندوق پستی صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری ۴۱۴-۱۴۰۱. منطقه پستی ۱۵ مدیر مسئول: علی حجت

لامرد فارس :

خبرنگار "رنجبر" صاحب‌های با یکی از زحمتکشان مسئول منطقه "لامرد" فارس به نام آقای حسن عباسی انجام داده است که در زیر به نظر تان میرسد. در ایمن صاحبه ، اوضاع عمومی منطقه بطور عام و وضعه "علا مرودشت" خصوصا ، مورد بررسی قرار گرفته است .

بخش "لامرد" در جنوب شیراز واقع شده و از توابع "لارستان" فارس است . تابستان های گرم و زمستان های سردی دارد . زحمتکشان این ناحیه تا بستان دره ۶ درجه بالای صفر زندگی میکنند و از نبودن وسایل رفاهی مجبور میشوند با اندک پس اندازی کشته کرده اند (البته آنهایی که دستشان به دهان نشان میرسد) روبه شیراز آورند تا دوسه ماه گرمای شدید را در شیراز بگذرانند . و آنهایی که "مایه" ندارند مجبورند با این هوا بسازند ، در میان آنها افرادی پیدا میشوند که شیراز را که نزدیکترین شهر به آنهاست بهداشت و درمان :

حدوداً نصف به کشاورزی دیم و نصف به کسب و کار در شیخ نشین های اطراف مشغولند . از ۲۵۰۰ خانوار کشاورز ، ۲۵۰۰ هکتار زمین را دیم کشت میکنند (تلمبه های موجود تنها آب ۲۵۰ هکتار زمین را تا میسر میکنند) و ۵۰ خانوار باقیمانده هر کدام ۲ تا ۲ هکتار زمین را دیمی میکارند . اگر باران بیارد (که امسال باریده) هر یک گندم ۱ تا ۱۳۰ دانگند محصول میدهد .

آقای عباسی که یکی ماه و نیم پیش ، گندمش را در آورده ، با صرف دوماه کار ، آذوقه سالیانه یک خانوار ۴ ، ۵ نفری با اضافی بذرسال بعد و همچنین به اندازه ۱۵ روز کار روز - مزدی ، گندم اضافی فروخته است . او گندم را سرخرمن کیلویی ۱۰ ریال فروخت که دلیل ارزانی هم این است که نه تنها ما مورین دولت برای خرید گندم با بیجانیا مده اند ، بلکه منطقه راه درستی هم ندارد که دهقانان محصول خود را به راحتی به بازار برسانند بعنوان مثال یک تن بار را اگر از شیراز بخواهند به علامرودشت بیاورند ۱۰۰ تومان بدون تخلیه و بار کردن خرج دارد ، در حالیکه فاصله علامرو دشت تا شیراز تقریباً ۴۰۰ کیلومتر است که ۸۰ کیلومتر آن از "خنج" تا علامرودشت اسفالت نیست و راه خیلی بدی دارد با گردنه های خطرناک و جاده باریک که مخصوصاً در زمستان ماشین بسختی میتواند به منطقه برسد . (این ۴۰۰ کیلومتر تا ۱۰ روز طول میکشد) قیاس بشود با کرایه حمل و نقل بار از تهران به شیراز با ۹۰۰ کیلومتر مسافت که تنی ۷۵۰ ریال است ! این مساله بخصوص در

امکانات و محرومیتها

دام پرورش نمیدهد ، چون صرف نمیکند (یا علوفه کم است یا امکانات ندارد) .

گذران کارگران منطقه:

حدود ۹۰ درصد جوانان منطقه در کویت ، بحرین ، قطر ، ابوظبی و دبی و به کار مشغولند . چه بسا که اینها دو سال به دو سال هم زویچه خود را نمی بینند و بعد از دو سال که برمیگردند با همان مختصر پولی که با خود از خلیج آورده اند برای یک تا دو ماه نزد خانواده هایشان میمانند و بعد برمیگردند و به خلیج حداقل برای دو سال میروند .

طریقه رفتن این زحمتکشان به شیخنش ها عمدتاً بدون پاسپورت بوده و بایک وضع اسف باری در تنه اینها در صندوق پنهان (کارگر لنج) میروند . معلوم نیست به مقصد برسند یا شیخ در شکمشان فرو بکند (توضیح اینکه در بعضی از جاها برای کنترل بار شیخ در بارها فرو می کنند) . یا لنج غرق میشود و یا وسط دریا بوسیله پلیس بعثی عراق یا پلیس شیخنش ها (شرطی ها) دستگیر و زندانی و سپس اخراج شده و به ایران برگردند . با همه این مخاطرات برای هر بار رفتن به امارات از ایمن طریق ۱۰ هزار تومان پول می دهند . با این زحمت و مشکلات بعد از ۲ یا سه سال دوباره بر میگردند و بهلوی خانواده - هایشان و زیر بار قرض دوباره از وطن فرار کرده و به شیخ نشین ها پناه میاورند و تا بتوانند زندگی خود را در آنجا شان را با تان بخور و نمیزن تان کنند .

۳- در مورد مسأله عمرانی بویژه جاده:

استاندار فارس بایک جیب تشریف بیاورند و منطقه وضع راه ها و مشقت های زندگی این زحمتکشان را از نزدیک ببینند و نه با هلیکوپتر ، چون هلیکوپتر در هوا حرکت میکند و چیزی را نمی بیند . بارها اتفاق افتاده که استاندار فارس با هلیکوپتر به منطقه می آید و نیم ساعت تا یک ساعت ، آن هم در گروهان ژاندارمری منطقه میروند ، و ببینند که از نزدیک با دردها و خواست های آنها آشنا شوند .

ما از رهبر عالیقدرمان امام خمینی و رئیس جمهور منتخب مان پشتیبانی قاطع کرده و مخصوصاً از رئیس جمهورمان میخواهیم یا خودشان به منطقه بیایند و یا نماینده ای اعزام دارند البته نه با هلیکوپتر ، بایک جیب بیایند که از نزدیک با موارد فوق که گفتیم آشنا شوند .

۴- درباره کارگران مهاجر:

مدت اعتبار گذرنامه را از ۴ ماه به ۷ ماه برسانند که کارگران مهاجر بتوانند در این فرصت به کشت و زرع بپردازند .

در پایان صاحبه ، آقای عباسی گفت : "گفتگو با دست و درد دل ها زیاد . از شما خبرنگار رنجبر" سپاسگزاریم که به درد دل ما زحمتکشان و خواسته

اگر متشکل بشوید

هم دوا بر قدرت را به زانو در میآورید و هم حقوق خودتان را میگیرید

اعتراض بکنید هر کدام برای خودتون ، هیچ کاری نمی تونید بکنید . اگر متشکل بشید ، هم دوا بر قدرت را بزنوید و هم حقوق خودتون را میگیرید . گفت : خوب ، دولت ما کسر بودجه داره ، نواگر جای دولت بودی ، چه کار می کردی تو که اینقدر از ما و دولت دفاع میکنی ؟!

گفتم : سی میگردم هرچ و مرج موجود را از زمین بیرون و به رفاه زحمتکشان بیشترین اهمیت را بدهم تا زحمتکشان بخصوص کارگرها با رغبت تولید را بیشتر بکنند . و در تولید بیشتره که هم کسر بودجه تامین میشه و هم دوا بر قدرت نمیتونند از ضعف اقتصادی ما سواستفاده بکنند . از طرف دیگر هم ، زحمتکش ها میفهمند که انقلاب کرده اند ، خون داده اند ، مبارزه کرده اند ، سالها ، و این مبارزاتشون به ثمر رسیده .

گفت : با تمام این حرفها ، این دولت ، دولت سرمایه دارهاست نه دولت ما ! و کاری هم برای ما نخواهد کرد از اولش هم دیده ای که هر سیاستی که ریخته به ضرر کارگرها بوده .

برایش توضیح دادم که این دولت ، دولت طبقه کارگر نیست ، و تنها دولت خودشماست که خواهی توانست حقوق کامل شما را اعاده بکند ، و رسیدن به این دولت هم از همین مسیر مبارزه با دوا بر قدرت و حمایت از دولت ملی فعلی ، اگر چه دمه ، دکا ، گها

گزارش زیر ، حاصل گفتگویی است که یکی از خوانندگان "رنجبر" با کارگری انجام داده و برای چاپ در اختیار ما قرار داده است :

"... در کارگاه محل کارش ملاقاتش کردم ، برای ارجاع کار رفته بودم . برخلاف همیشه ، اخمهایش توی هم بود . چندان علاقه ای به کار نشان نمیداد .

تا مرادید ، گفت آقای ، این هم از سودویزه ؟

گفتم : جریان چیه ؟

گفت : دولت انقلاب یکی یکی اجرا انقلاب ما را که به قول خودش ما مستضعفین انجام دادیم ، داره یه سودویزه ما را هم قطع کردند . اگر اینها راست میگن که دولت برای مستضعفین هستند ، برای پر کردن کسر بودجه شان که میگن کسر بودجه داریم و یا بیدتا مین بشه ، چرا از جیب کارگرها میکشند ؟ از تون کارگرها میبرند ؟ اگر راست میگن بدن از سرمایه دارها بگیرند ، از کار فرماها بگیرند!

از صحبتهایش بوی ضد دولتی احساس میشد . خواستم که قدری توضیح بدهم و تضاد عمده مان را با دوا بر قدرت برایش شرح دهم و اینکه ، با آنکه این سیاست و امثال اینها سیاستهای غلطی است ، با این وجود کارگرها که ستون فقرات انقلاب هستند باید تا به زانو در آوردن دوا بر قدرت ، انقلاب را پیش ببرند .

و در زمان خبری نیست و بزرگ زنی ها و دایه های قدیمی، بچه ها بدنیا می آورند.

یک نمونه از طبابت "حکیم بائی" منطقه: یکی از اهالی که دچار تبوست شده بود به درمان نگاه می کرد. به او می گویند که "تب مالا ریا گرفته ای" و برایش قرص مالاریا تجویز میکنند. این شخص با اندک پس اندازی که دارد با حالت بیمه و امید با این راه خراب (که زنده سفر کردن در آن تضمینی ندارد) بالاخره به شیراز می رسد و دکتر به او می گوید که "قبض شده و مالاریا ندارد و به علت خوردن قرص مالاریا به این روز افتاده است".

آموزش:

۱۲ هزار نفر جمعیت منطقه فقط یک مدرسه راهنمایی دارند که آن هم در مرکز آن "لامرد" قرار دارد. کودکان زحمت کشی که فرسوخا ز لامرد دورند باید با پای پیاده و بدون هیچ وسیله ای به مدرسه بیایند. در هر سه چهاردهی تخمیناً ۵ خانوار - زندگی می کنند و یک دبستان (تا ۴ کلاس ابتدایی) بسیار جداگانه ۳ معلم.

ارزاق عمومی:

در این منطقه، روغن ۱ کیلویی به ۱۲۰ تومان بفروش می رسد. سبزیجات عمدتاً نیست و میوه که از شهر وارد می شود بسیار نایاب و گران است و اکثراً زحمت کشان ماه بماه پوست برتقال هم به چشم نمی بینند. تخم مرغ دانه ای ۱۵ ریال و گوشت گوسفند کیلویی ۳۰۰ تا ۴۰۰ ریال است. مرغ به کیلویی ۵۰۰ تا ۶۰۰ ریال هم می رسد و زحمت کشان سالها تنها دو بار ریاضه با مرغ می توانند بخورند.

وضع کشاورزی:

از ۵۰ خانوار در "عسلا مرودشت" واقع در این منطقه

محصول اعلام مرودشت صدق میکنند (خارگیلویی ۵ ریال به فروش می رسد).

در این میان، واسطه ها و دلال های محلی هستند که گندم را در هنگام برداشت محصول از گندمکاران خریداری کرده و انبار میکنند و بعد از چند ماه آن را به چند برابری قیمت به اهالی همین منطقه می فروشند.

از سوی دیگر به دلیل کم آبی به تلمبه های زیادی احتیاج است که به نوبه خود هزینه گشا و رزان را بالای می برد بطوریکه کشاورزان فقیر نمیتوانند از عهده کرایه گران آن بآیند.

از اهالی این محل هر کس که علاوه بر زمین تلمبه هم دارد، بعد از کشت گندم در محل می ماند و به صیفی کاری می پردازد. و آنهایی که تلمبه ندارند (حتی اگر زمین داشته باشند) برای کار به شهرها یا خلیج می روند تا با کار خود بتوانند زندگی خود را آبرو مندانه بگذرانند.

مرغداری و دامداری:

در اعلام مرودشت از حدود ۳ سال گذشته، مرغداری به تدریج به دلیل عدم رعایت بهداشت در پرورش مرغ، بر افتاد در زمینه دامداری از آنجا که رژیم طاغوتی سیاست ناپذیری را برای پیش گرفته بود و میخواست ما را همچنان وابسته نگه دارد، اشکال تراشی ها و رسیدگی نکردن به وضع دامداری، نرسیدن به مسئله مرتع و نبودن دام پزشکی و... سبب پیشدکه دام بینه امراض گوناگون از بیهوشی برود، یا خرج بردخل بجزرید و پرورش دام صرف نکند. یسه این علت ها دام پروری روز بروز تنزل کرده و هنوز هم در حال تنزل است. یعنی یک خانوار که در چند سال پیش ۵۰۰ رأس بز و میش نگهداری میکرد، الان می بینیم که آن خانواده دیگر

خواستها و پیشنهادات برای حل مشکلات:

۱- در مورد کشاورزی:

دشت - ایجاد یک قنات در شرایط کنونی از طرف دولت یا با کمک دولت مشکل بی آبی را برای دهقانان فقیر حل خواهد کرد. دولت می باید با بست مساله ماشین های کشاورزی را حل کند تا کشاورزان فقیر بتوانند به کشاورزی خود رونق بیشتری دهند.

بدون کمک دولت ما، کشاورزان نمیتوانیم در جهت خودکفایی به جلو برویم.

۲- در مورد دامداری:

ما الان از دولت منتخب خودمان میخواهیم که به دامپروری های این منطقه برسند تا بتوانیم در زمینه دامپروری هم خودکفا باشیم و از این بابت به امیرالایست ها محتاج نباشیم.

دلال های محلی در منطقه "جلا بخر" که دام ها را خریداری کرده و به شهر می آورند و به چند برابر قیمت کیلویی می فروشند. دولت میتواند این دامهارا به قیمت عادلانه بخرد که هم خانوارهای اهالی معیشت خود را بگذرانند و هم اینکه در خدمت استقلال و در جهت خودکفایی پیگیر تر و محکم تر بشوند.

خود جاب میکنند امیدواریم در این راهتان که خدمتت به زحمت کشان بخش "لامرد" و تمام زحمت کشان ایران است، موفق و پیروز باشید.

کارگران و کارمندان شرکت "فورترس ایکس کنتینان تال" (اف.ای.سی) روز چهارشنبه هفته گذشته بعنوان اعتراض به عدم دریافت حقوق خود، در محل دفتر مرکزی این شرکت واقع در خیابان کریمخان زند، متحصن شدند. متحصنین اعلام کرده اند که تا حقوق معوقه خود را دریافت نکنند به تحصن ادامه خواهند داد.

ماه گذشته نیز کارگران این شرکت، پس از بارهنگام مراجع به "بنیاد مستضعفین" که در حال حاضر سرپرستی شرکت را به عهده دارد، خواهان پرداخت حقوق عقب افتاده خود شده بودند.

در نیمه تیر ماه، کارگران موفق به دریافت یکماه از حقوق عقب افتاده خود شدند. خبر پیروزی کارگران، همان زمان در "رنجبر" شماره ۷۴ منعکس شد.

اکنون کارگران این شرکت در ادامه مبارزه برای دریافت بقیه حقوق عقب افتاده خود به علت اینکه جواب قانع کننده ای از مسئولین امور دریافت نکرده اند، دست به تحصن زده اند.

این شرکت در زمان شاه مخلوع با سرمایه مختلط آمریکایی و سرمایه محمدم بهمن با تمام نقلیج و میزبان ثیانس از یادی رژیم سابق به عنوان مقاطعه کار شرکت مخبرات، کارکا بل کشی

ما هم برنیاریم؟ پدر ما را در بیاورند حرف زنیم؟ بچه ها مون گرسنگی کشیدند، اعتراضی نکنیم؟ گفتم: نه! اگر فردی

وسیم کشی صدها هزار دستگناه تلفن مجهز به سیستم نیمه الکترونیکی را در تهران به عهده داشت. لیکن پس از پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم شاه، مدیران شرکت متواری شده و با بزنندگان افتادند و از بهمن ۱۳۵۸ سرپرستی آن به "بنیاد مستضعفین" داده شد.

این شرکت متجا و از یک هزار کارگر و کارمند و تکنسین و مهندس دارد که پس از اراکند شدن فعالیت های شرکت، حقوق معوقه خود را که از شرکت طلب دارند دریافت نکرده اند.

بر اساس توافقنا مه ای که بین شرکت مخبرات و "بنیاد مستضعفین" به امضای رسیده است شرکت مخبرات باید اعتبار لازم جهت پرداخت حقوق معوقه کارکنان این شرکت را در اختیار "بنیاد" قرار دهد و در همین رابطه، ۲۰ میلیون تومان نیز در اختیار "بنیاد" قرار داده شده است.

حل مشکل حقوق معوقه کارگران و کارمندان این شرکت در جنبه کارگزاری و بوروکراسی گیر کرده است و شرکت مخبرات، "بنیاد مستضعفین"، وزارت پست و تلگراف و تلفن... به بهانه های مختلف، کارگران زحمت کش و محروم این شرکت را، که در شرایط گرانی و بیکاری خود و خانواده هایشان در وضع بسیار نا مساعدی بسر میبرند و بیش از پیش نگران آیند

دیدم که دارد بپوزخند میزند. وقتی از او جدا شدم توی فکر رفته بود....."

کارگران کابل کش تلفن در اعتراض به عدم دریافت حقوق متحصن شدند

خوبش هستند، را سر میدوانند. شرکت مخبرات مدعی است که چون در طول ماه گذشته کاری از سوی این شرکت به مخبرات تحویل داده نشده است لذا شرکت مخبرات نمی تواند بابت کاری که انجام نشده پولی پرداخت نماید. وزارت پست و تلگراف و تلفن نیز در مقام بل پرداخت حقوق معوقه کارگران از خود سلب مسئولیت کرده است.

در حالیکه گناه متوقف ماندن فعالیت های شرکت و انجام نشدن کار به گردن کارگران نبوده و آنها بارها اعلام کرده اند که: "پس از پیروزی انقلاب شبانه روز فعالیت کرده ایم تا مشکلی در امر مخبرات پیش نیاید و از اموال شرکت که متجا و از میلیاردها تومان ارزش دارد محافظت کرده ایم. کارگران میگویند که: "این آمادگی را داریم که هر پروژه ای در هر نقطه از ایران وجود داشته باشد به بهترین وجه انجام دهیم".

ما توجه مسئولین امور را به این مسئله که بسیاری حدود یک هزار نفر از افراد زحمت کش کشور جنبه حیاتی دارد جلب نموده و مصرا می خواهم که هر چه زودتر به وضع آنها رسیدگی و نسبت به پرداخت حقوق معوقه کارگران و کارمندان شرکت و از سر گرفته شدن فعالیت های شرکت به دست کارکنان دلسوز آن اقدام لازم را انجام بدهند.

در «حقوق زن در اسلام»
در «اشیه سمینار»

چرا مسائل زنان زحمتکش فراموش شده است؟

ما شین، آتش سوزی، گم شدن، در رودخانه افتادن، در کارخانه ها خرابی نوع اشاقات دائما میرسد و موضوعی عادی است.

مساله زن و حقوق او در جامعه یک مساله ای مهم را تشکیل میدهد. تغییر در مناسبات زن و مرد با دید بطور ریشه ای بوجود آید و با این نوع سمینارهای سطحی که در خدمت یک حرکت سیاسی روز قرار دارد دخل نخواهد شد و چه بسا حتی حرکت ریشه یابی در باره ای مساله زن را منحرف سازد. ما به بانوان پیشتر زکمه این روزها مجالس زنان را هدایت می کنند، انجمن ها و جمعیت های زنان را رهبری می نمایند پیشنها دمیکنیم سمیناری در باره ستم به زنان زحمتکش بویژه در کارخانه ها تشکیل دهند و در این سمینار آنها را دعوت نمایند که واقعا زحمتکش اند و امروزه در تولید شرکت دارند.

در جامعه جمهوری اسلامی حداقل این عدالت باید باشد که زحمتکشان زن دور هم جمع شوند و با زبان خود برای مردم ستم بی حدی را که بر آنها صادر همین نظام روا میشود بیان دارند.

چشم ما زیاد آب نمی خورد که این پیشنها دما توسط بانوان دست اندرکار زنان پذیرفته شود و با اگر هم پذیرفته شد، به صورت امری رسمی برای خالی نبودن عریضه در نیاید!

با حجاب به کارخانه میروند یا نه؟

همگی زنان زحمتکش کارخانه با حجاب میروند و وقتی نیست که خود را بیارایند. کار منزل، شوهر داری و بچه داری هم با زنان است. بیش از ۴ الی ۶ ساعت وقت برای خوابیدن ندارند. همگی آنها در پشت دستگاها در محیط غیر بهداشتی کارخانه ها خسته اند. خسته جسمی و روحی.

خوب چرا سمینار "حقوق زن" به این مساله نپرداخت؟ چرا در کارخانه ها که حجاب هم هست و هیچگونه "آر این" مطرح نیست، قدرت شهوانی زن

با صلاح خانم دستغیب - مسلط است؟! آیا این بی تفاوتی نسبت به زنان زحمتکش را در سمینار حقوق زن باید حساب چه گذاشت؟ آیا سمیناری دیگر تشکیل خواهد شد تا در باره حقوق زنان زحمتکش در جمهوری اسلامی گفتگو کنند؟

اعمال فشار بر بی حجابان در مقایسه با فشار وحشتناکی که بر زنان با حجاب در کارخانه ها هست هیچ است. زنان زحمتکش ما در همین دنیا جهنم را می بینند علاوه بر گناهی سرپرستها که فشار روحی شدیدی را بر سر آنها فراموش کرده، در پیشست ما شین، زن زحمتکش هم اش در فکر بچه هایش است. (تصادفا

*** پیشنهاد می کنیم سمیناری درباره ستم بر زنان زحمتکش و با شرکت خود آنها تشکیل شود**

● فشار بر زنان بی حجاب در مقایسه با فشار وحشتناکی که بر زنان زحمتکش با حجاب بویژه در کارخانه ها وارد میشود هیچ است

- حقوق آنها را کم میکنند
- بر حسب کمونیست و فدا انقلاب به آنها می زنند.
- کار طاقت فرسا به آنها میدهند.
- کوچکترین حرکتی را که آنها در پشت ما شین می کنند، مورد سرزنش قرار میدهند.
- رفت و آمد و در کارگاه قدغن می کنند.
- در هنگام مریضی به او اجازه مرخصی نمی دهند.
- وده ها برنا مه دیگر قبل از انقلاب حفظ ظاهر هم نمیشد. امروز مساله صیغه کردن پوشی برای همان کشفات گاریبهای گذشته شده است.
حال با پیدا زحمتکش دستغیب پرسید آیا شما سری به کارخانه ها زده اید؟ زنان زحمتکش در آنجا حجاب دارند یا نه؟ آنها

او میگوید: به ما کارگران زن فشار بسیار زیاد است. کارگران زن بدان علت به کارخانه می آیند که در مانده و محتاج اند و این احتیاج مادی است که آنها را به صحنه کار می کشاند. زنان زحمتکش اساسا بدلیل تحقیر شدن طولانی "رام" شده اند، روحیه ای اطاعت کردن و تن دادن به فشار سرپرست ها و کارفرماها در آنها با اجبار بیشتر از مردان است. کارگران زحمتکش زن توسط استادکارها بیشتر مورد فشار هستند مخصوصا زن های جوان. استادکارها و سرپرستها از انواع و اقسام برنا مه ها برای دست یافتن به زنان استفاده می کنند. سرپرست ها برای تسلط به زنان زحمتکش:

از خواهران همکار و رعایت موازین مقدس اسلام تهیه خواهد شد. بنحو ارزنده ای ختم نمایند. بند ۱۱ از مردان همکار تقاضا میشود که لباس مناسب بپوشند و بپوشانند. اعلام میشود که در هر هفته روزهای چهارشنبه ساعت ۲ بعد از ظهر در محل آمفی تاتر است اجتماع می کنیم.

با دیدن انصاف دادگاه خانم دستغیب در سخنرانی خود با اعمال فشار برای برقراری حجاب مخالفت می کند اما، آنچه در صحبت های ایشان نیست وضع کنونی جامعه ایسران و فشار همه جانبه به زنان بویژه به زنان زحمتکش است.

خانم دستغیب به زنان پند می دهد دست از آلت شهوانی بودن برای مرد بردارید و بجای تسلط از طریق شهوانی، تسلط بر مرد را از طریق "قدرت فکری" اجرا نمایید.

اولا این صحبت که در گذشته زنان بر مردان "مسلط" بوده اند چندان با واقعیت تطابق ندارد. ثانیا از دوره آریا مهری تا بحال تغییرات اساسی در مناسبات بین مرد و زن بوجود نیامده است. اساسا وضع بر همان منوال است. حتی در بعضی زمینه ها بر قدرت مردان افزوده شده است.

اما برای اینکه از عام گوئی پرهیز کرده باشم، گفتگوئی را که با یک کارگزن داشتم برایتان نقل می کنم.

چند روز پیش سمینار "حقوق زن در اسلام" گارش به اتمام رسید. در آن سمینار سخنرانها در ۱۲ بند ما در ۵۰ بند سوال قطعنا مه مربوط میشد به تبلیغات سمینارهای رسمی و با اصطلاح "مکتبی" که اخیرا برگزیده شده اند. در این پنج بند هیچ گونه مطلبی در رابطه با زنان موجود نیست.

بند ۵ ندائی است به زنان کارمند که متشکل شوند. بند ۷ تشکر از مقامات است که در راستای انقلاب به ارشاد و تبلیغ می پردازند. بند ۸ بندی است به مقامات رسمی که بهانه بدست دشمنان ندهید تا زیر نام "حقوق زنان" به آشوب بپردازند. بند ۹ تقاضا از مجلس و دولت است تا "در ارگان های اجرائی سازمان فرهنگی و ایدئولوژیک" تاسیس شود.

بند ۱۰ که تا اندازه ای مربوط به مساله ای زنان است (تسا اندازه ای برای اینکه مساله ای اکثریت زنان جامعه ما را تشکیل نمی دهد) چنین میگوید: "از مقامات مسئول خواستاریم که با توجه به پیام تاریخی امام در مورد طاغوت زدا ئی، از حرکات مشکوکی که در جهت اعمال فشارهای انحرافی بر بانوان صورت می گیرد بدست جلوگیری نمایند و مساله حجاب را با تصویب لباس مناسب و هما هنگ که با نظرخواهی

توده ها، باند کیانوری و طرفداران روسیه را افشاء و طرد میکنند

یادداشتی درباره يك بحث سياسي در پارک ملت

تماشا می کنند. تن بهر گونه ردالتی می دهند تا از منافع شوروی دفاع کنند. چه عواملی باعث می شود که انسان تا اب. در حه تنال بسا م کند.

من و دوستم از هواداران حزب رنجبران هستیم. شنیده بودیم که جمعه ها در پارک ملت گروه های سیاسی با هم بحث میکنند. (توده های مردم

های بیگار - خرده بورژوازیها - و مذهبی و غیر مذهبی در این بحث ها شرکت می کنند .

ما ساعت ۵ بعد از ظهر رسیدیم به پارک ملت قدم زنان بالا می رفتیم که دیدیم کنار بساط طرفداران حزب رنجبران با توده ایها بحث در گرفته . دوستم خواست در بحث شرکت کند گفتم اول برویم پارک را یک بار دور بزنیم بینم کلا چه خبر است مردم چه می کنند و گروههای دیگر چه می کنند . رفتیم بالاتر دیدیم کنار بساط جریکهای " اقلیت " با " اکثریت " ها بحث در گرفته . پس از کمی مکث دو- باره راه افتادیم . بالاتر دیدیم که در کنار بساط توده ایها اوضاع خیلی متشنج است . خود را به آنجا رساندیم دیدیم که بین ۵ نفر آدم معمولی و ۲ نفر از دختران طرفدار حزب توده و ۸ پسر طرفدار توده ای مجادله شدیدی در- گرفته و هر آن احتمال برخورد فیزیکی وجود داشت . مردم هم جمع شده بودند . آنها می گفتند ما از اینها سوال کرده ایم توده ایها به جای جواب دادن می گویند شما به حزب ما توهین کرده اید و اینها همه یکی دو تا از بچه های توده های را گرفته بودند و می گفتند که باید معنی کنید که توهین کردن یعنی چه ما یک سوال از شما پرسیدیم شما می گوئید توهین است . ولی شما روز روشن جلوی چشم ما مزدوری به شوری را تبلیغ می کنید جوانان بی گناه مردم را همراه می کنید - علیه انقلاب ما توطئه می کنید به رهبر انقلاب توهین می کنید ، به رئیس جمهور و وزیر امور خارجه می گوئید امریکائی هستند . آیا اینها توهین به این ملت قهرمان نیست . شما باید به ما جواب بدهید که توهین یعنی چه .

توده ایها از ترسشان مثل موش فقط می گفتند که آقا توهین نکنید به جای جواب دادن مرتباً این را تکرار می کردند تا اینکه مردم دخالت کردند و نگذاشتند درگیری و دعوا شود . مردم برانگیزه شدند و ما هم قدم زنان پارک را دور می زدیم با دوستم در این فکر بودیم که این دار و دسته وطن فروش گیانوری چه کار - هائی می کنند که این جوانان را این قدر بی شخصیت و پست و نالایق بار می آورند حاضرند هر گونه توهین را تحمل کنند ، در مقابل سئوالات مردم هیچ جوابی ندارند و مثل ... فقط

۱ - صد هزار مزدور شوری در افغانستان چه کار می کند اگر شوری امریالیست نیست پس چرا به گفته خود شما به گفته بیرگ تا زمان حکومت امین در حدود یک میلیون انسان شهید شده و بمب افکن های روسی شب و روز در افغانستان چه کسانی را می - کشتند ؟

۲ - شما می گوئید در افغانستان اگر ما نمی رفتیم امریکا می رفت . اگر راست می گوئید پس چرا در ایران ۳۵ سال تمام امریکا آمده بود و شما هم علاوه بر اینکه کوچکترین کمک برای آزادی خلقهای ایران نکردید بلکه در آن زمان در حالت وحدت و رفایت با امریکا محمد رضا شاه جلاد منحوس را حمایت کردید :

الف - به محمد رضا شاه همانند همانند امریکا اسلحه می فروختند تا بهتر بتواند این خلق مظلوم را مورد ستم قرار دهد . و مردم در طول انقلاب نبرتها و سایر سلاحهای روسی را در کنار سلاحهای امریکائی می دیدند . شما این کلاشیکها و آر بی جی هفتها

گردیم که بیک اجتماع بزرگ رسیدیم ، حدود ۱ ساعت و نیم ، در اینجا بحث در گرفت که می خواهم نکاتی از این بحث را به اطلاع تصام هم میهنان مبارز و استقلال طلب برسانم . بحث بین طرفداران حزب رنجبران و حزب توده در گرفته بود . از مردم هم در حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر جمع شده بودند . طرفداران حزب رنجبران می خواستند ثابت کنند شوری مثل امریکا یک کشور امریالیستی است و خون خلقهای جهان را می مکد لذا باید مد علیه امریکا و هم علیه روسیه مبارزه کرد یعنی اینکه سیاست نه شرقی نه غربی را باید به پیش برد . طرفداران حزب توده هم می - خواستند ثابت کنند که دشمن اصلی فقط امریکاست و فقط باید علیه امریکا مبارزه کرد و در عوض شوری دوست ماست و ما باید در این مبارزه از شوری کمک هم بگیریم .

سئوالات مرتباً تکرار می شد چرا که طرفداران حزب توده از جواب دادن در مقابل مردم طفره می رفتند . آنها می ترسیدند مردم از حقایق با خبر شوند . لذا بحث مرتباً حول این سئوالات می گشت :

مارکسیسم در این مورد به وضوح می - گوید :

" پرولتاریای پیروزمند حق ندارد به هیچ خلق دیگری هیچ گونه سعادت را تحمیل کند در غیر این صورت با این عمل به پیروزی خود لطمه خواهد زد " (نقل از نامه انگلس به کاتونسکی صفحه ۸ کتاب لنین درباره همزیستی مسالمت آمیز ترجمه م . هرمان (عضو کمیته مرکزی حزب توده) .

۴ - اگر شوری امریالیست نیست چرا به کمک مزدوران خود در ویتنام با بیش از ۲۰۰ هزار سرباز ویتنامی کامبوج را اشغال کرده است ؟ اگر این حکومتهائی که شما از آنها دفاع می کنید بر حق و انقلابی هستند چرا روی پای خود نمی توانند بایستند ؟ چرا توده های مردم تکیه نمی کنند ؟ چرا در افغانستان بعد از سه بار کودتا که آنها را انقلاب جا زدید ... باز هم با سر نیزه روسی از دولت افغانستان دفاع می کند در صورتی که حکومتهای مردمی به مردم تکیه دارند .

نفرخته اید از آلمان هم که نازل نشده اند پس به محمد رضای جلاد و دیگران مزدوران فروخته اید .

ب : در حمایت از محمد رضا شاه در به اصطلاح انقلاب سفید امریکائی این جلاد ، قیام خونین خلق به رهبری امام خمینی را رادیو بیک و روزنامه ایروزستیا شورش مشتئی آخوند مرتجع فتوادل خواندید .

ج : برای حمایت از محمد رضای جلاد از پسرش به مسکو دعوت می کردند خودتان سر قبر رضا شاه می رفتید و ... در جشن ۲۵۰۰ سالسه محمد رضا شاه پادگورنی را فرستاده بود .

۳ - اگر شوری امریالیست نیست ۱۷ مستشار روسی در یمین چه کار می کنند ؟ با بمب افکن های روسی سر خلق اریتره شب و روز برای چه بمب می ریزید ؟ مگر نه این است که هیتلر هم همانند برزف می خواست ایدئولوژی خود را به زور سر نیزه و بمب به جهانیان تحمیل کند . این چگونه مارکسیسم است که با بمب افکن روسی به خلقها تحمیل می شود . این یقیناً فاشیسم است چرا که :

در جواب گفت مردم من نمی خواهم از کسی با شوری دفاع کنم فعلاً می - خواهم به شما ثابت کنم که این روسها بدتر از هیتلر به مردم دروغ می گویند و اعضای خود را تحمیل می کنند . همه می دانند که در جریان انقلاب کامبوج از سال ۱۹۶۹ لئون تول اینس جلاد امریکائی با کودتا روی کار آمد و تا سال ۱۹۷۵ سال آزادی کامبوج شوری کشتی هائی را که به این مزدور آذوقه و اسلحه می آورد توسط بیمه اینگستراج خود بیمه می کرد و همه نوع کمک های دیگر به این مزدور به مدت ۶ سال می کرد چرا که از اول پول بوت و انقلابیون و خلق کامبوج نخواستند وابسته به شوری باشند حالا روسها برای اینکه این گونه فجایع و اعمال ننگین خود را از چشم توده ها پنهان کنند برای اینکه تجاوز خود به کامبوج را توجیه کنند می گویند پول بوت ۳/۵ میلیون آدم کشته بود .

اولاً فرض کنیم که او این کار را کرده بود به شما چه ربطی دارد که بروید شوری را اشغال کنید . در جهان

می گفتند اگر شوری امریالیست است پس چرا با سرعرفات از آن دفاع می - کند .

گاز ما بیهوده به هوای رفت آنها خریدند این به نفع ایران (بخوانید به نفع محمد رضا شاه) بود - شما از رژی می دفاع می کنید که رهبران پول بوت ۳/۵ میلیون نفر را کشته .

اگر شوری - امریکا می خریدند پس بهتر است که شوری بفروشد چرا که سو - سیالیستی هم هست .

در افغانستان این خلق نیست که می جنگند بلکه جینی ها و امریکائی ها و ایرانی ها و فتوادلها هستند که می جنگند .

و بعد مرتباً از زیر جواب دادن در می رفتند و می گفتند این سئوالات در شرایط فقلی انحرافی است حالا باید فقط علیه امریکا مبارزه کرد . معلوم است که طرفداران حزب رنجبران باید با طرح این گونه سئوالات افکار مردم را منحرف کنند تا بتوانند از رژیم های جلادی که ۳/۵ میلیون نفر را کشته دفاع کنند و اسم ویتنام قهرمان را لکه دار کنند و ...

یکی از طرفداران حزب رنجبران در جواب گفت مردم من نمی خواهم از کسی با شوری دفاع کنم فعلاً می - خواهم به شما ثابت کنم که این روسها بدتر از هیتلر به مردم دروغ می گویند و اعضای خود را تحمیل می کنند . همه می دانند که در جریان انقلاب کامبوج از سال ۱۹۶۹ لئون تول اینس جلاد امریکائی با کودتا روی کار آمد و تا سال ۱۹۷۵ سال آزادی کامبوج شوری کشتی هائی را که به این مزدور آذوقه و اسلحه می آورد توسط بیمه اینگستراج خود بیمه می کرد و همه نوع کمک های دیگر به این مزدور به مدت ۶ سال می کرد چرا که از اول پول بوت و انقلابیون و خلق کامبوج نخواستند وابسته به شوری باشند حالا روسها برای اینکه این گونه فجایع و اعمال ننگین خود را از چشم توده ها پنهان کنند برای اینکه تجاوز خود به کامبوج را توجیه کنند می گویند پول بوت ۳/۵ میلیون آدم کشته بود .

اولاً فرض کنیم که او این کار را کرده بود به شما چه ربطی دارد که بروید شوری را اشغال کنید . در جهان

و ستم می بیند و مهربان نمی روید اسرائیل را اشغال کنید و در عوض به رسمیت هم می شناسید .

ثانیاً : همه می دانند که کامبوج قبل از انقلاب حدود ۶ میلیون نفر جمعیت داشت . در حدود ۱ میلیون در طول ۲۰ سال انقلاب شهید دادند ۳/۵ میلیون هم به قول شما پول - بوت کشته . یعنی در مجموع ۴/۵ = ۳/۵ + ۱ شهید شده اند در حقیقت خبر گزاریهای جهان باید بگویند کامبوج (۱/۵ = ۴/۵ - ۶) نفر جمعیت دارد ولی چرا رادیو مسکو می گویند کامبوج کشور ۷ میلیونی آیا در عرض یکسالی که شما کامبوج را اشغال کرده اید ۵/۵ میلیون زائیده اید .

ثالثاً چگونه می توان در یک کشور ۵ میلیونی ۳/۵ نفر را در عرض ۲ سال کشت . محمدرضا شاه جلاد در کشور ۳۵ میلیونی در طول ۳۵ سال نتوانست ۱۰۰ هزار بکشد آخر با چه نیروئی می توان این همه انسان را کشت .

باید از هر خانواده سه کشته شود پس چگونه است که این خلق بهیامنی خیزد و تازه پس از اشغال کامبوج توسط مزدوران ویتنامی هیچ کدام از رهبران در نرفته اند که هیچ بلکه همراه مردم ۲ سال است مبارزه علیه شما را ادامه می دهند این مردم چرا پول بوت را و سایر رهبران را به شما تحویل نمی - دهند که هیچ بلکه همراه آنها علیه شما اشغالگران می جنگند !

رابعاً : روس ها هیچ چاره ای ندارند غیر از اینکه مزدوران خود را با این دروغها تحمیل کنند .

و اما در مورد افغانستان منطق امریالیستها و مزدورانسان همیسه این است که برای خلقها ارزی قائل نیستند .

در ایران هم در زمان محمد رضا شاه وقتی خلق تبریز به با خواست گفتند اینها شوری ها بودند که در تبریز قیام کردند از خارج مرزها آمده بودند . و حالا در افغانستان هم امریالیستهای روسی و مزدوران ایرانی و افغانی شان می گویند خلق افغانستان سلوغ نمی - کند قیام نمی کند بلکه ایرانی ها و امریکائی ها و فتوادلها هستند ! چرا که متربادر مرز های ایران و چین و پاکستان قیام میشود . پس نتیجه می گیریم که در افغانستان تنها چیزی که وجود ندارد افغانسی است لابد یک میلیون کشته را هم

همه فهمیدند که او توده ای است چرا که مسلمانان هم به برداران خود در افغانستان کمک می کنند در نتیجه مردم داد زدند توده های هستی چرا وقتی برزف هزاران مزدور به کمک ببرک می فرستد می گوئید این امریکائی است ولی کمک ما به برداران افغانی انترناسیونالیزم نیست . آن توده های وقتی مشتش باز شد از میان جمعیت جیم شد در نتیجه این دو نفر سخنگوی توده های که در میان جمعیت بودند مخاطب مردم شدند . مردم مرتباً می گفتند جواب بدهید چرا از روسها دفاع می کنید . خجالت نمی کشید وطن فروسی می کنید . توده ایها که با سخنرانی آن جوان مسلمان افغانی اوضاع را کاملاً بر ضد خود احساس کردند و مردم شدیداً تهییج شده بودند فرار را بر قرار ترجیح دادند و در نهایت وقاحت و پستی می گفتند بله ما در می رویم ما دیگر با شما بحثی نداریم آن دختر بقیه در صفحه ۵



در اریتره

روسها از گازهای سمی عصب کش استفاده میکنند

۸۰ هزار ارتق در اثر بمباران بی خانمان شده اند

فاشیست های توسعه طلب روسی برای درهم شکستن مقاومت مردم دلیر اریتره دست به وحشیانه ترین حملات علیه مبارزین و سکنه بی دفاع این سرزمین میزنند.

در سوم ژوئن امسال در محموله جنگی ارسالی روسها به بندر "اسمره" گازهای سمی عصب کش نیز دیده شده است. سایر اجزاء این محموله عبارت بودند از ۲۴ هلی کوپتر سویدار و ۲۵۰ هلی کوپتر سرباز بر باناشاق ۲۵۰ کا رشناس نظامی روسی و اورد این بندر که عملا پایگاه هوایی روسهاست شدند. این گازها از نوع "جی ۱" عصب کش است که صد آن تا کنون شناخته نشده است.

در هفتم ژوئن "جبهه خلق برای آزادی اریتره (ای. پی. ال. اف)" طی پیامی به دبیر کل سازمان ملل متحده و الدها ایم از سازمان ملل متحد خواست تا با دخالت خود مانع استفاده از چنین گازهای سمی شود. در این پیام آمده است: "هزارها نفر از جمله قبایل صحرائین و نیز انسانها و حیوانات در این منطقه در معرض نابودی قرار خواهند گرفت." پیام مشابهی نیز به ملیت سرخ بین المللی در ژنو فرستاده شد.

ارتش اتیوپی در نوامبر ۱۹۷۸ که از طرف روسها رهبری میشود اریتره بوده اما زاینکه روسها از گازهای سمی عصب کش استفاده میکنند متعجب نیستیم.

اوسیس ادا ما میدهد: "در نوامبر ۱۹۷۸ طی یک حمله که توسط ما با فروریختن بمب های ناپالم، بمب های خوشه ای و گاز های سمی بود ۵۴ دهکده با خاک یکسان شد، کلیه محصولات سالانه غله که آنجا در بهره برداری بود از بین رفت، صد هزار نفر از سکنه را از منازق خود فراری داد و بر روی هزاران نفر از آوارگان در حال فرار تا شیر کشنده گذاشت. وی افزود: "از آن موقع تا کنون ارتش اتیوپی که از پشتیبانی روسیه برخوردار است پنج بار تلاش کرده تا مردم اریتره را قلع و قمع کند، اما هر بار با بیجا گذاشتن انبوهی از ویرانه عقب رانده شده است." وی همچنین نوشت: "کمیت کمک به مردم اریتره از وجود ۸۰ هزار نفر که از دهات و شهرهای بمباران شده در جنوب فرار کرده اند و هم اکنون در تپه های خشک منطقه شمال زندگی میکنند آگاه است."

در قسمت دیگری از نامه این پرستار آمده است: "ما از همه سازمانهای دولتی و بینگاهای خیریه سراسر جهان

شکست جنگ آزمایشی آمریکا برای حفاظت از اروپا

افزایش خطر جنگ جهانی سوم و امکان حمله برق آسای نیروی نظامی چند میلیون نفری ابر قدرت شوروی به اروپای غربی، آمریکا را سخت به تکاپو انداخته است. ولی آمریکا در تلاشهای خود برای مقابله با آنها حمفاشیستی شوروی موفقیت های چندانی تا کنون بدست نیاورده است.

"وزارت دفاع آمریکا" (پنتاگون) اخیرا فاش ساخت که بمنظور ارزیابی از توانایی دفاعی آمریکا در مقابل به تجاوز نظامی شوروی و پیمان ورشوبه اروپای غربی بزرگترین جنگ آزمایشی و بسیج کلیه نیروهای نظامی را در تاریخ جهان انجام داده است. در این عملیات آزمایشی که در آبان ۱۲۵۷ نجا گرفت ۲۰۰۰ پرسنل نظامی و غیرنظامی و بیش از ۳۰ ارگان دولتی آمریکا شرکت داشتند.

پنتاگون همچنین اظهار داشته است که تمرینات نظامی با مشکلات جدی روبرو شد و طرح "بسیج ملی" (۱) بخاطر ندانم کاری ها، بوروکراسی موجود و سیاست های غیرواقعی به شکست منتهی شد. بسیاری از ارگانهای غیرنظامی دولتی پس از اعلام لحظه بسیج (یعنی تهاوشوروی به اروپای غربی) وظایف خود را نمی دانستند و حتی پنتاگون که این عملیات را رهبری میکرد از وظایف این سازمانها اطلاع نداشت.

بیانه ای که پنتاگون در این مورد منتشر ساخت اشاره ای به چگونگی ضربات وارده به نیروهای نظامی آمریکا در صحنه اروپا نکرده است و بیشتر بر مسائل سازماندهی جنگ آزمایشی تاکید گزارد است بطور نمونه کلیه بخش های

توده ها با تندکلیا نوری...

از صفحه چهارم

توده ای یک ساعت بود بلبل زبانی می کرد حالا در مقابل افشاگری خود افغانی ها دیگر لال شده بود در نهایت بی شرمی از درون جمعیت راهی راباز کرد که فرار کند. مردم هم افتادند دنبالشان و با شعار "مرگ بر توده ای مزدور روسیه" افغان بیروز است مزدور نابود است " مزدوران را از درون خود طرد کردند.

ساعت ۸ شده بود که مردم پراکنده شدند و همه ۲ تا ۲ تا یا چند نفری با هم به روس ها و توده ایهای مزدور فحش می دادند.

من و دوستم با هم گفتیم این ملتی که با چنین قهرمانی با دست خالی امپریالیسم جنایتکار آمریکا را بیرون کردند با این آگاهی که دارند صد درصد روسهای مزدور را هم اگر جرئت کنند قدم به کشور ما بگذارند مثل امریکائی ها به زباله دانی تاریخ خواهند افکند. چرا که ملت ما فقط در زمان محمد رضای مزدور ۳۵ سال ظلم و استیغی را چشیده این ملت ۷۰ هزار کشته نداده که وابستگی به امپریالیسم جدیدی را ببیدید.

زمانی که مردم همراه هواداران حزب رنجبران مزدوران توده ای را افشا

کشورهای جهان.....

از صفحه اول

می کردند فهمیدم که این مزدوران در میان مردم ما جایی نخواهند یافت و حزب رنجبران تنها حزبی است که می تواند وسیع ترین توده ای مردم را همراه خود بسیج کند و استقلال کامل ایران بدون شرکت وسیع ترین توده های مردم و زحمتکش و بدون رهبری حزب امکان پذیر نیست. توده ها در زندگی روز مره خود در مبارزات روز مره خود پیشاهنگان واقعی خود را انتخاب خواهند کرد. همان طوریکه می بینم روز به روز گروههای زیادی از حقانیت مواضع ما دفاع کرده و در تمام موارد توده ها در رویا روئی با گروه های دیگر از ما دفاع می کنند. تنها مشتکی روشنفکر جدا از توده فریب خورده توسط رهبری سازمان چریک ها (اکثریت) و مزدوران توده ای هستند که به ما فحش می دهند و از بحث کردن با ما در میان مردم همیشه گریزانند. چرا که مردم با ما هستند. پیروز یاد حزب رنجبران ایران پیشاهنگ واقعی طبقه کارگر. برافراشته باد پرچم مارکسیسم-لنینیسم اندیشه مائوتسه دون. پیروز باد مبارزات خلق های ستمدیده جهان علیه دو ابر قدرت جهان خوار آمریکا و روسیه. مرگ بر دو ابر قدرت و مزدوران داخلی شان - ساواک و حزب توده.

محکوم کردن آخرین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل که خواستار خروج اسرائیل از کلیه سرزمینهای اشغالی است. اعزاب بود مورد حمله قرار داد. بولنت اجویت نخست وزیر سابق ترکیه گفت که باید با انتقال پایتخت اسرائیل به بیت المقدس مخالفت کند و از این با بت کشور مسلمان ما یک مسئولیت تاریخی بعینه دارد. دولت ترکیه نیز جمعه گذشته با انتشار بیانیه ای شدید بطرح اسرائیل در مورد انتقال پایتخت این کشور به بیت المقدس اعتراض کرده و آنهارا تهدید به قطع روابط کرد. دیپلما تیک کرد. در پی محکوم کردن تصمیمات اسرائیل در مورد بیت المقدس توسط بنگالدش دولت هند نیز این تصمیم را تقبیح کرد و اعلام داشت که بیت المقدس جز سرزمینهای

پیشنها د شده است. شهر بیت المقدس یکی ز گرامی ترین اماکن مستبر که اسلامی است و اشغال آن توسط صهیونیستها از همان ابتدا بمتا به توهینی بزرگ به مردم مسلمان تلقی شده و آزادی آن یکی از اهداف مشترک ملل عرب و کشورهای اسلامی بوده و هست. علت اصلی انجام این جنایت جدید اسرائیلیها در این شرایط بحرانی منطقه با لا گرفتن اختلافات داخلی و بحرانهای شدید درون کشور و فرار ازین بستی است که صهیونیستهای حاکم بر اسرائیل با آن روبرو هستند. هیئت حاکمه اسرائیل میخواهد با دادن زدن به اختلافات بین اعراب و یهودیان و ایجاد جنگ

اخبار کوتاه بین المللی

پیروزی اعتصاب در لهستان

رانندگان اتوبوسهای برقی در پنا در "گدانسک" "گوینیا" و "سویوت" سه شبه گذشته بخاطر افزایش دستمزد هادست به اعتصاب زدند. مقامات دولتی لهستان از ترس گسترش این اعتصاب به سایر نقاط تنه‌پس از ۳۰ درصدی به اعتصاب با افزایش ۱۰٪ به دستمزدها موافقت کردند.

این گزارش که توسط کمیته دفاع از حقوق اجتماعی بخارج درج شده نشان دهنده وسعت اعتصابات چندهدفه گذشته در شمال لهستان می باشد.

بر اساس این گزارش اعتصابات کارگری که پیش از صدکارخانه را در چند هفته اخیر بخاطر افزایش قیمت گوشت در بر گرفته بود تقریباً فروکش کرده است.

همین منبع اضافه میکند که تنه‌پس اعتصاب در روز سه شنبه بمدت ۱۲ ساعت در یک کارخانه ماشین آلات کشاورزی واقع در "وروکلاو" انجام گرفته است.

اعتصابات و میسارزات کارگری یکماه گذشته در لهستان نقاب "سوسیالیسم" را از چهره سرمایه داری احیا شده در این کشور برداشته و بوضوح نشان داد که لهستان نیز مانند سایر کشورهای سرمایه داری وابسته

بنام "وان پروتینگ" در چهاردهم ژوئن بیکی از روزنامه های استرالیائی بنام "ایچ نووت" من که در هنگام اولین حمله

با اعتصاب، بیکاری، افزایش قیمت ها و تورم روبرو است

اعتصاب ده هزار قری در آفریقای جنوبی

بیش از ده هزار نفر از کارگران شهرداری ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی روز دوشنبه هفته گذشته دست با اعتصاب زدند. خواسته های کارگران سیاه پوست افزایش دستمزد از ۴۳ دلار در هفته به ۷۵ دلار در هفته و شناسایی حداقل ۲۵ کارگران سیاه پوست شهرداری" میباشد.

طبق گزارشات رسیده در اثر این اعتصاب زباله و آشغال شهر را فرا گرفته و مقامات شهرداری از شرکت های خصوصی برای تمیز کردن شهر استمداد طلبیده اند. آخرین گزارشات رسیده حاکی است که اعتصاب کنندگان تهدیدیه برگشتن اجباری به کار فرستادن آنها به محل سکونت خود شدند. در عین حال اعتصاب و تظاهرات بر علیه سیاست تبعیض نژادی دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی در مدارین و مناطقی سیاه پوست نشین نیز همچنان ادامه دارد.

تظاهرات، اعتصابات و ناآرامیهای خیرمبین رشد و پیداری خلق ستم دیده آزانیا (آفریقای جنوبی) و تصمیم قاطع آنها مبنی بر سرنگونی دولت نژاد پرست و فاشیست و غاصب آفریقای جنوبی است.



سوسیال فاشیسم سه زن روسی تبعید شدند

ترک کنند.

همین منابع اضافه می کنند به خانم "مامونوا" حتی اجازه بردن تابلوهای نقاشی اش نیز داده نشد. او تنها اجازه یافت مقدار کمی از پول های روسی اش را تبدیل کند. مقالاتی که در این نشریه آورده شده بیشتر راجع به وضعیت زنان در روسیه و ستمی که به آنها وارد می شود و نیز اشعار است. در یکی از این مقالات جامعه روسیه را جامعه ای پدر سالاری قلمداد کرده و برابری کامل زن و مرد را یک تبلیغ دروغین خوانده اند. این دو زن در وین به خبرنگاران گفتند که به زنان روسی ستم دولایه می شود یکی توسط دولت و دیگری از جانب خانواده.

یک ژنرال دیگر روسی کشته شد

روز پیش وارد اسلام آباد پاکستان شد گفت که اجساد شش تن روسی که دست و پا های آنها قطع شده بود در یکی از محلات روس نشین کابل پیدا شده است.

بعلاوه جنگجویان مسلمان افغانی طی بیانیهای در پیشاور پاکستان اعلام کردند که ۱۴۰ نفر از سربازان روسی را کشته اند.

دولت سرسپرده بیبرک کارمل که با اشغال افغانستان توسط ارتش اشغالگروس برسر کار آمد در طی بیش از هفت ماه که از عمر ننگینش میگذرد نه تنها قادر به سرکوب مبارزین افغانی و حفظ منافع ارباب نشده بلکه عملاً به عاملی بی اختیار تبدیل شده است.

سه تن از زنان روسی که مخالف حاکمیت فاشیسم در روسیه هستند مجبور به ترک میهن خود شده و به آفریش و فرانسه تبعید شدند.

دو تن از آنها که به وین (آفریش) وارد شدند اظهار داشتند مقامات دولتی به آنها گفته اند که "یا در زندان بسر ببرید یا اینجا را ترک کنید". این دو زن که یک نشریه غیر رسمی بنام زن و روسیه منتشر می کردند در مقالات خود از زنان روسی می خواستند که فرزندان و شوهران خود را ترغیب کنند تا رفتن به زندان را از جنگیدن در افغانستان ترجیح بدهند.

این سه زن عبارتند از: "تاتیانا مامونوا" سردبیر اولین شماره این نشریه که در سپتامبر ۱۹۲۹ به چاپ رسید، "تاتیانا کوریتشوا" که فیلسوف است و "تاتیانا لاکوسکایا" زبان شناس که مسئول دو شماره آخر این نشریه بوده است. خانم "مامونوا" که یک شیمی دان، نقاش و شاعر است با شوهر و پسر چهار ساله اش وارد پاریس شد. بطوریکه دوستان "مامونوا" در روسیه اظهار داشتند مامورین "ک. گ. ب." شنبه ۲۸ تیر ماه به خانه وی آمدند و با او و خانواده اش ۲۴ ساعت مهلت دادند تا خاک روسیه را

خبرگزاری های خارجی گزارش دادند که یک ژنرال روسی که مشاورد دولت دست نشانده بیبرک کارمل در افغانستان و مسئول شبکه جاسوسی ک. گ. ب. در منطقه مرزی پاکستان - افغانستان بود بضرر گلوله مبارزین افغانی کشته شد.

از طرف دیگر منابع دیپلماتیک در کابل گزارش دادند که نیروهای اشغالگر روسی در افغانستان یک نقشه کودتا را که توسط دو واحد ارتشی مستقر در یادگان "پل چارکی" در خارج از کابل طرح ریزی شده بود خنثی و سرکوب کردند.

در ارتباط با این حادثه یکی از افغانی ها تیکه چند

را از بحرانهای درونی بسنه جنگهای مرزی و... منحرف سازد. این اولین بار نیست که صهیونیستها چنین اعمالی را انجام میدهند آنان هر وقت با بحران درونی روبرو میشوند برای خروج از آن جنگ افروزی، تجاوز و تحریکات خود علیه کشورهای عربی را افزایش میدهند، این عمل نیز ادامه همان سیاست است. اما اقدام اخیر نه تنها آنها را از بحرانهای داخلی و انفرادین المللی نجات نمیدهد بلکه بیش از پیش آنان را در صحنه بین المللی منفرد و متزوی کرده و با تشدید تشنجات منطقه و اعمال فشار بیشتر موجب نزدیکی اعراب و گسترش مبارزات آنان علیه اشغالگران صهیو نیست و برانگیخته شدن حمایت کشورهای جهان از مبارزات بحق آنان میشود.

انتقال پایتخت اسرائیل از تل آویو به بیت المقدس مخالفت شدید اکثر کشورهای جهان را برانگیخته و همه آنها خواستار نجات بیت المقدس شده اند از جمله:

کویت: دولت کویت روز ۵/۹/۵۹ پارلمان اسرائیل را بخاطر تصویب قانون مربوط به اعلام بیت المقدس بعنوان پایتخت واحد اسرائیل محکوم ساخت. شیخ عبدالله الصباح ولیعهد ونخت وزیر کویت طی اظهاراتی که از رادیو کویت پخش شد گفت: تصمیم پارلمان اسرائیل چیزی جز ادامه سیاست تجاوز کارانه و توسعه طلبانه این کشور نیست. و افزود: تصمیم اسرائیل مبنی بر الحاق بیت المقدس به آن کشور در عزم راسخ ملت عرب برای آزاد ساختن سرزمینهای اشغالی از جمله بیت المقدس و تحقق یک راه حل عادلانه که متضمن حقوق مردم فلسطین و خودمختاری و تشکیل یک کشور در خاک ملی آنها باشد اثری نخواهد داشت. وی هم چنین ایالات متحده را بخاطر

سازمان من تحمیل سوز... معتقد است که میتوان مجازات هایی را از طریق سازمان ملل در مورد اسرائیل بمورد اجرا در آورد. وزارت امور خارجه هند در این مورد اظهار داشت که هند همیشه به اینگونه مجازات های مثبت داده است.

و نزولاً نیز که قبلاً سفارتخانه خود را به بیت المقدس انتقال داده بود بعنوان اعتراض قصد با زگشت به تل آویو را دارد. دولت هلند نیز نسبت به تصمیم پارلمان اسرائیل ابراز تا سف کرد و هرگونه اقدام یکجانبه دولت اسرائیل را رد کرده و اضافه نموده است که موضع هلند از آغاز اشغال شرق بیت المقدس در سال ۱۹۶۷ نیز چنین بوده است.

دولت فرانسه پارلمان اسرائیل را متهم کرد که با وضع قوانین جدید در مورد بیت المقدس قوانین بین المللی را زیر پا گذاشته و به تشنجات خاور میانه افزود. در بیانیه وزارت امور خارجه فرانسه آمده است که قانون جدیدی که بیت المقدس را پایتخت اسرائیل می شناسد یک تصمیم یکجانبه و بخشی از یک سلسله تدابیر برای در معرض خطر قرار دادن موقعیت بیت المقدس است. در این بیانیه از این اقدامات که در افشای تشنجات منطقه موثر است را تلاش برای ایجاد یک طرح عادلانه و همه جانبه در خاور میانه مغایرت دارد.

علاوه بر این، کشورهای رومانی، چین، کانادا و... و کلیه کشورهای غیر متعهد و اسلامی این عمل اسرائیل را محکوم کرده اند. حتی آمریکا که همواره از نظر سیاسی نظامی و اقتصادی و... بیار و پاور اسرائیل بوده و در تمام نقشه های وی علیه اعراب و فلسطین دست داشته نتوانسته از این عمل بیشرمانه رسمیا دفاع و پشتیبانی نماید. همچنین مصر نیز در قبسال این عمل واکنش منفی نشان داده است.

امپریالیسم و روش های مستقیم و غیر مستقیم براندازی

جاسوسخانه، ولی در حقیقت برای بزانودن آوردن ایران به سیاست آشکار و قدیمی زور و تهدید و ارباب یعنی تهدید و تجاوز نظامی و تحریم اقتصادی و کوشش درمنزوی کردن ایران در صحنه جهانی، یعنی به مجموعه ای از سیاست های خصمانه علیه ایران متوسل گردید. لکن این سیاست نیز در برابر اتحاد و شجاعت مردم ما از سویی و برابر همبستگی خلقها و کشورهای جهان سوم و عدم اطاعت کورکورانه اروپا و ژاپن از آمریکا از سوی دیگر، بسا شکست مفتضحانه روبرو گردید.

بافتهاست. در همین ارتباط تا کیدات رئیس جمهوری بر روی زمینه های داخلی کودتا افزایش یافته است. این تا کیدات اگر چه بخودی خود نتوانسته از گسترش زمینه های داخلی کودتا جلوگیری بعمل آورد، لیکن زمینه آگاهانه

سیاسی را در میان مردم نسبت به خطرات سیاست های مبتنی بر ناراضی سازی و دشمن تراشی و تضعیف حکومت بوجود آورده، بطوریکه اکنون طیف وسیعی از طبقات و اقشار و نیروهای سیاسی جامعه به این معنی وقوف یافته اند که شیوه های هر چه مورج طلبانه گروهها و عناصر خودکامه مستقیم و غیر مستقیم در خدمت همان روش های غیر مستقیم براندازی است که ضدا انقلاب داخلی و خارجی بطرز حجاب شده و صورتها و عملها آنها را پیاپی می کند.

چرا ضدا انقلاب داخلی و خارجی، ابرقدرتها و عمالشان در حال حاضر به چنین روشهایی متوسل میشوند؟ برای پاسخ به این سؤال باید به وضعیت مشخص انقلاب ما از سویی و امپریالیسم از سوی دیگر توجه کرد.

اگر انقلاب ما انقلابی قلابی و ظاهری از نوع کودتاهای رایج کشورهای جهان سوم بود،

امپریالیسم آمریکا که از طریق شیوه های مستقیم جنگی موفق نگردیده انقلاب ما را شکست دهد، اکنون میکوشد تا از طریق شیوه های غیر مستقیم و بهره برداری از رضائی ها به هدف خود دست یابد.

فوق نویسنده چین کهن آمده در این مدت در کشورهای بکرات و یکی پس از دیگری از جانب ابرقدرتها و از طریق عوامل آنها و با بدست عوامل و عناصر ناآگاه خودی اجرا شده و نتایج هر چه وخیم تر خود را نیز به بار آورده است.

در هفته ها و ماههای اخیر، این عملیات مربوط به "روش های غیر مستقیم" بر اندازی شدت و حدت خاصی گرفته و دامنه و ابعاد دگرگان کتدهای

ما از مقامات مسئول، خصوصاً دادستان کل کشور آیت الله موسوی - اردبیلی، مجدانه می خواهیم که نسبت به این اعلام جرم اقدامات قاطع اتخاذ نموده و موجبات تعقیب قانونی این باند تهمت زن و مزدور بیگانه رافراهم نمایند.

حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور

این نوع وسایل برای ممانعت از پیشرفت امور روزمره و برپا نه های طراحی شده دولت - دامن زدن به اختلافات و تفرقه ها و جدالیهای میان جناحهای مختلف حاکمین تا سرحد نفی یکدیگر،

تلاش در رخنه پس درون ارتش، کشاندن آن به مقابله با جمهوری اسلامی تا حد انجام گردن زدن زمینه سازی جهت متلاشی کردن و انحلال ارتش... و دیگر شیوه هایی که در رهنمودهای استراتژیک

این دفا تر و اماکن خودداری کرده اند. و معلوم نیست چرا دادستان کل کشور که در اطلاعیه خود به حفظ قانون اساسی و امنیت قضا قضایی و احترام به قانون اساسی اشاره کرده اند، چرا از گروه های اشغالگر خواسته اند که دفا تر را به مسئولین دولتی تحویل دهند و نه به خود گروه های سیاسی و...

چرا حکومت قانون در کشوری که دارای قانون اساسی قوه قضائیه، و اجرائیه و مجلس شورای اسلامی است حکمفرما نیست؟ چرا عده ای اندک باید تمام نهادهای انقلابی را ملعبه دست خویش قرار دهند و آزادی

خودی آگاهانه و ناآگاهانه صورت میگیرد حیرت انگیز است.

برونده سازی و سبب سازی و با اصطلاح "افتا گری" ها علیه شخصیت های دولتی برای رسوا کردن وی آبرو ساختن آنها در انظار عمومی، ایجاد اغتشاش به

سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) را در این میان فراموش میکند لکن پرواضح است که روشهای فوق الذکر همان روشهایی است که امپریالیستهای آمریکا پی نیز سالها است و بخصوص از کودتا ۲۸ مرداد دبسته در دنیا پیاده میکند.

جملات فوق الذکر برای هر خواننده ایرانی که به شرایط کنونی حاد جامعه ما آشنا باشد در دستان دهنده است. تشابه روش های فوق الذکر با آنچه در کشور ما بدست خارجی و پیا

هفته نامه "لوپوان" چاپ پاریس که در مصاحبه ای از قول یک کارشناس امور مذاکراتی و جاسوسی فرانسه جملات بالا را نقل میکند، تصریح مینماید که کتاب مورخ چینی ("سون تزو") راهنمای عمل رئیس ضد اطلاعات فرانسه است و نیویز رئیس "کا.گ.ب." شوروی یعنی یوزی آندروپوف، مرد قدرتمند کشور ترارهای نوین و جانشین احتمالی برژنف این کتاب را از بردارد. کارشناس فرانسوی عاهدانسه

یک مورخ چینی قرن پنجم قبل از میلاد، در کتابی تحت عنوان "هنر جنگ"، درباره شیوه های مستقیم و غیر مستقیم جنگ می نویسد:

"ظریف ترین هنرها عبارت است از درهم شکستن مقابله و دست دشمن بدون اینکه نیاز به جنگ در صحنه نباشد. روش مستقیم جنگ فقط در صحنه جنگ ضروری است، لکن تنها از طریق روش غیر مستقیم است که میتوان به یک پیروزی حقیقی دست یافت و این پیروزی را تحکیم نمود. برای این منظور باید همه عوامل منبذ را در کشور دشمن متلاشی کنید. نمایندگان طبقات حاکم را در عملیات جنائی آلوده سازید. از هر فرصتی برای اخلاص در مواضع و در بینش آنها استفاده کنید. آنان را در برابر هموطنان خودشان رسوا و بی آبرو سازید. از بیست ترین و منفورترین افراد برای این مقاصد استفاده کنید. از همه وسائل برای ایجاد اغتشاش در فعالیت های دولت آنها استفاده کنید. تفرقه و جدال را میان اهالی کشور خصم خود دامن زنید. جوانان را علیه پیران بشورانید. همه وسائل را برای نابودی تسلیحات و ارتباطات و انضباط ارتش دشمن بکار ببرید. برای خرید اطلاعات و جاسوسان دست و دلباز باشید. در همه جا ما مورین مخفی به کار گیرید. در دادن پول و وعده ماسک نکنید، زیرا از این طریق است که منافع سرشار عاید خود خواهید نمود."

حمله به دفا تر گروهها از صفحه اول خود اذعان نمودند "خلاف مقررات جاری و مخل امنیت قضایی و تضعیف ارگانهای مملکتی است" و همچنین "مخالفت نص صریح قانون اساسی و مصالح عالیه کشور" میباشد.

اینگونه اعمال زمینه مساعدی را برای ضدا انقلاب فراهم مینماید تا با ایجاد هرج و مرج و تضعیف ارگانهای مملکتی شرایط را برای ضربه زدن به انقلاب فراهم آورد. بویژه در چنین شرایطی که از یکسوا آمریکا و عمال داخلی

محترما " شریه " نامه مردم " شماره ۲۹۵ مورخ چهارشنبه ۵۹/۵/۱ در مقاله ای تحت عنوان " جوانان مسلمان جنوب چه گسانی هستند؟ " اینجانب محمد ارسوی را به عنوان یکی از مهاجمین به دبیر خانه حزب توده " معرفی " کرده است. با توجه به اینکه شیوه های ردیلاته اتهام زنی این ایادی روسیه برهنگان

باز در جنگال خود اسیر کنند و از سوی دیگر بر قدرت روسیه ستون پنجم آن حزب توده خائن در صدند که با ایجاد هرج و مرج نهادهای انقلابی و ارگانهای مملکتی را تضعیف کرده تا ایران را به انقیاد خود در آورند، اینگونه اعمال بیشترین آب را به آسیاب دوا بر قدرت، آمریکا و روسیه میریزد.

در هفته گذشته بعد از صدور اطلاعیه دادستان کل کشور ما به مسئولین امور رجوع کرده و ضمن اعتراض دوباره به این حرکات و اعمال هرج و مرج جزا، خواهان تحویل دفاتر و اماکن خود شدیم. ولی متأسفانه بعثت وجود تعدد مراکز تصمیم گیری گسترده از مشکلات ما نشود. مسلم اینکه معلوم نیست چه کسی مسئولیت این اعمال را به عهده دارد و چه کسی مسئول رسیدگی به آنها است. و شاکه با بیدار شدن مقامی رجوع کنند. معلوم نیست این گروه های خودکامه که خود را بالاتسرا از قانون اساسی و دادستان کل کشور میداند زکجا وجه کسی دستور میگیرند. معلوم نیست چرا بعد از صدور اعلامیه دادستان کل کشور این گروهها از تخلیه

قرار نگیرند؟ چرا با بستن پاسداران و افراد کمیته ها که حافظ قانون و محوی قانون هستند و دادستانی انقلاب که مجری اراده ملت است، این چنین با بیدار بر بی قانونی هایی تقویت باشند؟

ما از تمام مردم آزادی خواه و استقلال طلب ایران که با انقلاب شکوهمند اسلامی خویش و دادن دهها هزار شهید بهای این آزادی ها را پرداخته اند دعوت می نمائیم که علیه این گروه های خودکامه و بی بند و بار که مخل آزادی هستند اعتراض کنند.

ما از تمام گروهها و نیروهای سیاسی متعهد و مردم آزاده می خواهیم که نگذارند عده ای اندک این چنین تیشه به ریشه انقلاب بزنند و با ایجاد هرج و مرج و تضعیف نهادها و انقلاب، به دوا بر قدرت آمریکا و روسیه امکان ایجاد یک "نظم" فاشیستی یا سوسیال فاشیستی را بدهند. ما از تمام ارگانهای دولتی و مسئولین امور می خواهیم که با قاطعیت قانون شهید و نتیجه مبارزات شکوهمند مردم ایران است اجرا کرده و اجازه ندهند گروهی آنقدرک تمام این تلاشها را بر باد دهند.

تعویض نیروهای نظامی روسیه در آلمان شرقی

چهارشنبه گذشته رادیو مسکو اعلام کرد که روسیه خروج ۲۰ هزار سرباز و هزار تانک خود را از آلمان شرقی که بر ژرف در اکتبر گذشته قول داده بود تکمیل کرده است.

ناظرین سیاسی در همان موقع این اقدام را بخشی از کارزار تبلیغاتی سردمداران کرملین بخاطر جلوگیری از استقرار موشک های "پرشینگ ۲" در اروپا ارزیابی کردند. کارشناسان نظامی معتقدند که علیرغم این عقب نشینی هنوز روسها ۱۵ هزار سرباز بیش از پیمان ناتو را در اروپای مرکزی دارند.

همزمان با اعلام خروج بخشی از ارتش روسیه از آلمان

آنان، از طریق سخنرانی و نوشتن مقالات مختلف صورت گرفته و می گیرد و نه از طریق چماق و ضرب و شتم و بر حسب زنی و با توجه به اینکه اتهام زنی شیوه همیشگی و گهنگه این خائنین رذل و میهن فروش بوده و سابق طولانی بر حسب زنی و اتهام زنی آنان در تاریخ چند دهه اخیر زبانزد عام و خاص است و با توجه به اینکه اینجانب نه اولین و نه آخرین نفری هستم که توسط این باند تبهی از شرف و حیا مورد حمله قرار می گیرم و بالاخره با توجه به اینکه تهدیدات مکرر از طرف چاقو گشتان و قداره بندان حزب توده از طریق حمله در خیابان و تهدید از طریق تعقیب های مکرر چند نغره و کنترل خانه اینجانب و گرفتن عکس به طور دائم انجام می گیرد، لذا علیه گردانندگان نامه "مردم" و منوچهر بهزادی سردبیر آن به خاطر افترا و اتهامی که در نشریه فوق در شماره ۲۹۰ مورخ ۵/۱/۵۹ به اینجانب نسبت داده شده، اعلام جرم می نمایم و از آن مقام محترم تقاضای تعقیب قانونی آنان را دارم.

محمد ارسنی
خیابان مصدق - کوچه زمرد - پلاک ۷
هفتم مرداد ماه ۵۹

حمله به دفتر حزب رنجبران...

از صفحه اول شکستن در ورودی، میزها، صندلیها و سایر وسایل دفتر را سوار بر یک کامیون کرده و بغارت بردند. همزمان با اینکار چند نفر دیگر از گروه به شکستن و خرد کردن اثاثیه سنگین که امکان برداشتن نبود مشغول بودند. این عده سپس تمام کتب و نشریات و روزنامه را از ساختمان بیرون برده و در برابر چشمان حیرت زده مردم سوزاندند. سپس با شعار "مرگ بر شعارنراها آمریکا نه روسیه" محل را ترک کردند. قابل توجه است که تمام این اعمال در برابر بی تفاوتی کامل یا سداران انجام شد. پاسدارانی که باید حافظ نظم و قانون باشند و از امنیت و جان و مال مردم در برابر این گروهها محافظت نمایند بی خیالی و بی تفاوتی نظاره گر این اعمال بودند.

ما شاهد بودیم که مردم با چه نفرتی این اعمال را تماشا میکردند، مردمی که در همه جا شعار داده بودند، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، اکنون با نفرت تمام شاهد عملیات عده ای بودند که ظاهرا در طرفداری از جمهوری

اعزاز برحمتا یث وسیع و مستحکم توده های استوار نبود، اگر توده های خلق ما به این درجه دارای شعور و آگاهی انقلابی و فداکاری برای جانفشانی در راه پیروزی انقلاب نبودند امپریالیسم و سوسیالیسم بر ایران آسانی و سرعت قادر میبودند تا کودتای ویا تاجا و نظایمی و یا دیگر شگردهای استعماری و سوسیالیسم را سرنگون کنند و یا آنرا به سرعت به حکومتی فاشیستی قلب ماهیت دهند. لکن، امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم که در برابر اتحاد و یکپارچگی توده ها، در مرحله ای ناگزیر به عقب نشینی شدند، نیک دریا فته بودند که در برابر این سنگ خارا چگونه تهاجمی در هم شکسته خواهد شد. این بود که امپریالیسم و بخصوص امپریالیست های آمریکا بی عقب نشینند تا در فرصت مناسب، از طریق دیگر به عمل دست زنند و در جهت اعاده سلطه خویش و بازگشت "بهشت گمشده" خود توطئه نمایند.

اگر شیوه ها و شگردهای امپریالیسم شوروی را که خود مبحثی است مفصل کننا بر گذاریم در مورد امپریالیست های آمریکا بی می بینیم که سیاست شان مراحل مختلفی را طی کرده است. شناخت این مراحل مختلف برای پیشبرد یک مبارزه موثر علیه امپریالیسم ضروری است، زیرا با یدراها و شیوه های مناسب هر مرحله را برای مبارزه با امپریالیسم برگزید.

در آغاز، امپریالیسم آمریکا کوشید تا با اصطلاحات جمهوری اسلامی کنار آید و با استفاده از برخی جوانب محافظه کارانه سیاست دولت موقت، روابط دیرینه مبتنی بر سلطه جویی را با حداقل زیان و ضرر حفظ نماید. پس از شکست این سیاست در برابر قاطعیت و مبارزه جویی توده ها و نیروهای استقلال طلب جامعه، امپریالیسم آمریکا به بهانه مقابله با گروهگان گیسری

جمهوری اسلامی و عناصر غیر مسئول بخصوص در میان روحانیت به شدت و با تمام قوا بهره برداری میکنند و به نتایج این خود کامگی ها عمیقاً دل بسته اند. در برابر این شیوه های گسترده دشمن که عمدتاً بر روی روش غیر مستقیم برانداختن استوار است، اگر تیر و پیکانهای انقلاب بطور کورکورانه و عکس العملی کار کنند، اگر صرفاً به سرکوب و آنهم سرکوب بدون تمایز و زدن و کوبیدن و عمیق و بی رحمی و ریشه کن کردن زمینه های داخلی کودتا را نماندیده بگیرند، اگر جلوی عوامل متعدد و روز افزون و عنان گسیخته ناراضی تراشی را (نا بسا مانی اقتصادی، شتم و اجحاف به کارگران، عدم امنیت و هرج و مرج قضائی، تفرقه روز افزون در نیروهای ملی، عملیات خودکامه گروه های غیر مسئول در حمله به آژانسها و دمکراتیک، سوء استفاده های گوناگون در زمینه های مختلف مالی، اداری و قضائی، لجن مالی شخصیت های مملکتی توسط رسانه های گروهی و انجمنهای رنگارنگ با شوشن اسلامی...) بطور جدی نگیرند و مسیبین این اعمال را به سرعت و با قاطعیت توبیخ و مجازات نکنند به سرعت خود را در برابر ضد انقلاب خلع سلاح خواهند کرد و آنوقت است که ضربه کاری میتواند در هر زمان از جانب امپریالیسم و سوسیالیسم برینیکر تجزیه شده انقلاب وارد آید.

اکنون زمان حرفسپری شده است، توده ها خواهان اقدام عاجل و جدی برای پایان دادن به هرج و مرج و برقراری ثبات سیاسی و قضائی هستند، ثباتی نه از نوع آنچه که عوامل انحسار طلب و استبداد منس و زورمدار خواهان آنند، بلکه نظم انقلابی مورد نظر توده های استقلال طلب و آزادیخواه خلق، نظامی متکی بر اتحاد بزرگ ملی، تنها از این طریق است که میتوان شیوه های مستقیم غیر مستقیم برانداختن امپریالیسم را بطرز موثر و جدی عقیم گذارد و انقلاب را در راه ترقی همچنان به جلوسوق داد.